



کد گزارش: ۶۸-۹۷

پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی

(ایران و مساله پایداری)

سجاد فتاحی

روح‌الله قاسمی

محمد فکری

محدثه جلیلی

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کد گزارش: ۹۷-۶۸

عنوان: پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی (ایران و مساله پایداری)
تهیه و تدوین: سجاد فتاحی، روح‌الله قاسمی، محمد فکری، محدثه جلیلی
ویراستار: الهه اصلاحی
مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

دیباچه	۱
فصل اول: پایداری ملی، ابعاد و شاخص‌ها	۷
۱. ایران و پایداری	۸
۲. ابعاد فضای حالت پایداری ملی	۹
۳. شاخص‌های محیط زیستی پایداری	۱۲
۴. شاخص‌های اقتصادی پایداری	۱۵
۵. شاخص‌های اجتماعی پایداری	۱۸
فصل دوم: جایگاه ایران در فضای حالت پایداری	۲۳
۱. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری اقتصادی	۲۵
۲. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری اجتماعی	۲۷
۳. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری محیط‌زیستی	۳۲
۴. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری	۳۳
فصل سوم: پایداری ایران و کیفیت حکمرانی	۳۷
۱. کیفیت حکمرانی و جایگاه کشورها در فضای حالت پایداری	۳۸
۲. حکمرانی و کیفیت حکمرانی	۴۰
۳. جایگاه ایران در فضای حالت کیفیت حکمرانی	۴۸
فصل چهارم: کیفیت حکمرانی و سیستم حکمرانی	۵۱
۱. رابطه واحد جغرافیایی - سیاسی و سیستم حکمرانی	۵۲
۲. آسیب‌شناسی کلی سیستم حکمرانی در ایران	۵۵
فصل پنجم: جمع‌بندی	۶۳
یاری‌نامه‌ها	۶۹

دیاچه

در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، در نیمه شرقی فلات ایران، در کرانه دریاچه هامون و ساحل رودخانه هیرمند، هسته‌های اولیه تمدنی شکل گرفت که در گذر ۱۰۰۰ سال تبدیل به یکی از پیشرفته‌ترین دولت شهرهای زمان خود شد. یکی از نخستین افرادی که به بقایای این دولت شهر در سیستان اشاره کرده است کلنل بیت، مامور نظامی بریتانیا در ایران دوره قاجار است. او که بقایای یک آتش‌سوزی را در محوطه این شهر مشاهده کرده بود نام «شهر سوخته» را بر آن نهاد؛ و از این‌رو ما اکنون این تمدن را با نام تمدن شهر سوخته می‌شناسیم. عوامل گوناگونی از تغییر مسیر رودخانه هیرمند تا هجوم قبایلی جنگجو به این منطقه را، از مهمترین دلایل از بین رفتن این دولت شهر بر شمرده‌اند.

با در نظر داشتن مثال شهر سوخته، هنگامی که از پایداری یک واحد جغرافیایی - سیاسی سخن می‌گوییم، به معنای باقی ماندن و استمرار آن در طول تاریخ است. تمدن شهر سوخته که اکنون می‌دانیم ساکنان آن را «زروانیان» تشکیل می‌دادند، در بازه‌ای ۱۰۰۰ ساله در آن منطقه پایدار باقی ماند، اما در پایان این دوران بنا به دلایل گوناگون برای همیشه از صحنه تاریخ حذف شد.

از اینکه در آخرین سال‌های حضور این دولت شهر در تاریخ، ساکنان آن سرزمین نشانه‌هایی از به خطر افتادن تمدن خود را دریافته بودند یا خیر، اطلاعی نداریم؛ اما به احتمال فراوان آن دولت شهر به یکباره فرونریخته است و مجموعه‌ای از عوامل گوناگون در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا سبب ساز ایجاد ناپایداری، فروپاشی دولت شهر و پاشیده شدن خاکستر مرگ بر روی آن سرزمین باشند؛ مجموعه عواملی که اگر زروانیان آن را شناسایی می‌کردند و تمدن‌شان را در خدمت کنترل این عوامل مخرب قرار می‌دادند، شاید دولت - شهر زروانیان قرن‌های بیشتری در تاریخ استمرار می‌یافت.

بیاید تصور کنیم که این فرصت فراهم می‌شد تا در آخرین سال‌های حضور این دولت شهر در تاریخ، از زروانیان بخواهیم جمله‌ای در وصف شرایط کنونی تمدن و دولت شهرشان بیان کنند تا با حک آن بر کتیبه‌ای به یادگار در تاریخ بماند. دور از انتظار نیست که بخش قابل توجهی از آنها این جمله را بیان می‌کردند:

«دولت شهر زروانیان دیگر پایدار نیست و این دولت شهر باید پایدار باشد.»

با در نظر داشتن مثال تمدن شهر سوخته به ایران‌شهر کنونی بازگردیم.

ایران، در حال حاضر با بحران‌های چندگانه و در هم تنیده‌ای روبروست که در صورت عدم توجه به آنها چالش‌های

اساسی را برای این واحد جغرافیایی - سیاسی می‌تواند، ایجاد نماید. برخی از مهمترین این بحران‌ها به شرح ذیل‌اند:

- بحران اقتصادی که بارزترین نمودهای خود را در تورم، رکود، بیکاری، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، نوسانات شدید نرخ ارز و ... نشان داده است.

- بحران اجتماعی که گسترش بی رویه حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران، افزایش نرخ اعتیاد، سقوط سرمایه اجتماعی، نارضایتی‌های قومی و مذهبی بارزترین نمودهای این بحران در ایران هستند.

- بحران محیط‌زیستی، که می‌توان مهمترین مظاهر آن را در بحران کمی و کیفی آب، آلودگی هوا به صورت عام و پدیده ریزگردها به صورت خاص، از بین رفتن جنگل‌ها به صورت عام و خطر جدی از بین رفتن جنگل‌های زاگرس به صورت خاص^۱ بیابان‌زایی؛ فرسایش خاک و ... مشاهده کرد.

آشکار شدن نوک کوه یخ این بحران‌ها و درگیری فرد فرد ایرانیان با آنها، سبب شده است که در شرایط موجود با هر فردی از هر گروه و جریان سیاسی یا با هر سطحی از سواد و دانش در حوزه‌های مختلف که سخن می‌گویی بر سر یک جمله با یکدیگر اشتراک نظر داشته باشند:

«وضعیت کنونی ایران ناپایدار است.»

و از قضا بخش قابل توجهی از آنها در یک جمله دیگر نیز توافق دارند:

«ایران باید پایدار باشد.»

اگر بخواهیم تمامی مطالب کتاب پیش‌رو را در دو جمله خلاصه کنیم، می‌توان این کار را در جمله‌های فوق انجام داد؛ بر این اساس، مساله اصلی این کتاب، ناپایداری ایران است و در حد توان در آن تلاش شده است تا چارچوبی برای فهم وضعیت موجود و شناسایی علت ریشه‌ای پیدایش شرایط کنونی ارائه شود؛ امری که به نظر می‌رسد برای آغاز گفتگوی ملی بین ایرانیانی با ارزش‌ها و نگرش‌های گوناگون و تجمیع توان آنها برای رهانیدن ایران از ناپایداری و آغاز حرکت به سوی پایداری لازم و ضروری است.

به این منظور این کتاب از ۴ فصل تشکیل شده است.

۱. در حدود ۷ دهه گذشته وسعت این جنگل‌ها از ۱۲ میلیون هکتار به ۶ میلیون هکتار رسیده و در یک دهه اخیر تحت تاثیر پدیده خشکیدگی بلوط، در حدود یک میلیون هکتار دیگر آن از بین رفته است. از بین رفتن این جنگل‌ها از آنجا که در تامین ۴۰ درصد آب شیرین و تصفیه هوای کشور نقش دارند در نوع خود یکی از مخاطرات بزرگ پیش‌روی ایران است.

در فصل نخست با معرفی مفهوم پایداری و بررسی ادبیات موجود در این زمینه تلاش شده است، سنجش‌هایی برای سنجش این سازه نظری ذیل سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی ارائه شود.

در فصل دوم بنا بر این بود که با اتکا به داده‌های معتبر و با در نظر داشتن مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در فصل نخست، گزارشی از وضعیت پایداری ایران با توجه به شاخص‌های معرفی شده ارائه شود؛ اما از آنرو که با انجام جستجوهای مقدماتی نتوانستیم برای بخش قابل توجهی از متغیرها و سنجش‌های معرفی شده ذیل شاخص پایداری، مقادیری دقیق و قابل اتکا بیابیم و از سوی دیگر با توجه به شرایط کشور، تمایل داشتیم، هرچه سریعتر نسخه‌ی اولیه‌ای از کتاب منتشر شود، موضوع سنجش دقیق وضعیت پایداری ایران را به بعد از دریافت نظرات خوانندگان در مورد نسخه اولیه از کتاب موکول نموده؛ و برای ارائه تصویری مقدماتی از آنچه که در پایان این مسیر به آن دست خواهیم یافت با بررسی شاخص‌های بین‌المللی موجود تلاش کردیم، مجموعه شاخصی که از نظر کلیت، مشابه مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب است را بیابیم، تا از این طریق امکان ارائه گزارشی در مورد وضعیت ایران با توجه به آن مجموعه شاخص فراهم شده و فهمی کلی نسبت به وضعیت پایداری ایران حاصل شود. نتیجه این جستجوها ما را به مجموعه شاخص کامیابی موسسه لگاتوم رساند؛ امکانات موجود در سایت این موسسه امکان ارائه گزارشی نسبتاً دقیق و مبتنی بر نمودارهایی روشن در مورد ایران را فراهم می‌کرد. از این رو در فصل دوم کتاب، گزارشی از وضعیت ایران در ارتباط با شاخص کامیابی که می‌توان آن را در مقایسه با سایر شاخص‌های موجود، به مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب نزدیک‌تر دانست، ارائه شده است. در ارتباط با شاخص کامیابی موسسه لگاتوم باید توجه داشت که لزوماً تمامی سنجش‌های صورت گرفته توسط این موسسه در مورد وضعیت ایران در ارتباط با متغیرها و شاخص‌های گوناگون را نمی‌توان سنجش‌هایی دقیق و بیانگر وضعیت واقعی ایران در آن زمینه دانست؛ اما به نظر می‌رسد می‌توان کلیت نتایج این ارزیابی را با کلیت ارزیابی‌های کیفی درباره وضعیت ایران منطبق دانست. در پایان فصل دوم، این پرسش را طرح نمودیم که با در نظر داشتن داده‌های موجود، وضعیت نسبتاً ناپایدار کنونی در ایران، که می‌توان آن را با مفهوم «شکست پایداری» توصیف کرد، نتیجه چه عواملی است؟

در فصل سوم با بررسی داده‌های موجود، پاسخ این کتاب به پرسش طرح شده در انتهای فصل دوم، به عامل «کیفیت حکمرانی» رسیده است. به عبارتی در این فصل، این نتیجه حاصل شده است که شکست‌های رخ داده در عرصه حکمرانی کشور، سبب افت کیفیت حکمرانی و در نتیجه پیدایش شرایط ناپایدار کنونی در این واحد جغرافیایی - سیاسی شده است. در ادامه فصل نیز با در نظر داشتن ادبیات موجود در این زمینه، ضمن معرفی مفهوم کیفیت حکمرانی، شاخص‌هایی، برای سنجش این سازه نظری معرفی و گزارشی در مورد وضعیت کیفیت حکمرانی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان ارائه

شده است. اما با این پاسخ، بلافاصله این پرسش طرح می‌شود که شکست‌های ایجاد شده در عرصه حکمرانی و آفت کیفیت حکمرانی کشور را می‌توان تحت تاثیر چه عامل ریشه‌ای تری دانست؟

در فصل چهارم در تلاش برای پاسخ به پرسش طرح شده در انتهای فصل سوم کتاب، با استدلال‌هایی منطقی نشان داده شده است که کیفیت حکمرانی، تحت تاثیر نوع و طراحی سیستم حکمرانی است؛ بر این اساس اگر در صدد بهبود وضعیت پایداری در یک واحد جغرافیایی - سیاسی با توجه به شاخص‌های معرفی شده در فصل نخست کتاب هستیم، باید از طریق ایجاد تغییراتی در سیستم حکمرانی (اصلاح قواعد، روابط و اجزا)، امکان وقوع شکست‌های شش‌گانه در عرصه حکمرانی، که سبب آفت کیفیت حکمرانی و نهایتاً ایجاد ناپایداری‌هایی در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف می‌شود را کاهش داد. در فصل پنجم کتاب نیز جمع‌بندی‌ای از مطالب طرح شده در آن ارائه شده است.

در ادبیات مربوط به نظریه سیستم‌ها، مفهومی وجود دارد تحت عنوان نقطه بی‌بازگشت، در این نقطه، سیستم به جایی می‌رسد که مسیری متفاوت از گذشته را در پیش خواهد گرفت؛ وضعیت کنونی ایران به منزله یک سیستم پیچیده جغرافیایی - اجتماعی اگر نگوییم به نقطه بی‌بازگشت رسیده؛ اما می‌توان گفت که به میزان بسیار زیادی به آن نزدیک شده است؛ امید است که در این نقطه، ایران در مسیری قرار گیرد که پایداری آن در تاریخ استمرار یابد.

در فضای سیاسی کنونی کشور، مرتباً از مفاهیمی چون «منافع ملی» و «گفتگوی ملی» سخن به میان می‌آید؛ بدون آنکه تعریفی دقیق از آنها ارائه شود. به نظر می‌رسد مفهوم پایداری ایران با توجه به تعریفی که در این کتاب از آن ارائه شده است، می‌تواند در زمینه دست یافتن به اجماعی بر سر مفاهیمی چون منافع ملی کمک‌کننده باشد و نشان دهد که گفتگوی ملی باید بر سر چه چیز، برای بهبود چه شاخص‌ها و سنجه‌هایی و برای ایجاد اصلاح و تغییر در چه بخش‌هایی آغاز شود.

انتشار این کتاب بدون یاری برخی افراد امکان‌پذیر نبود. دوست گرامیمان سلیمان پاک‌سرشت، در زمان تصدی معاونت اجتماعی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، با حمایت از ایده تدوین این کتاب و در اختیار قرار دادن برخی منابع مهم مرتبط با موضوع پایداری، نقش کلیدی در سامان یافتن آن داشته است. مهدی ناجی با مطالعه کتاب و گوشزد نمودن نکاتی مهم و خانم الهه اصلاحی با قبول زحمت ویراستاری کتاب، نقش اساسی در کاهش کاستی‌های آن ایفا نموده‌اند. در همین جا لازم است مراتب قدردانی خود را از این عزیزان اعلام نموده و موفقیت آنها را در مسیر خدمت به ایران و ایرانیان آرزو کنیم.

اکنون که محمد فاضلی ارتباط رسمی خود را با مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری خاتمه داده است می‌توان با خاطری آسوده و بدون آنکه شائبه‌ای در میان باشد، این کتاب را به او تقدیم کرد. ایران‌دوستی او ستودنی است و بزرگترین درسی که نویسندگان این کتاب که همگی از دانشجویان او هستند از وی آموخته‌اند **مهر وطن** است.

در پایان از تمامی اساتید، پژوهشگران و خوانندگان محترم می‌خواهیم که با گوشزد نمودن کاستی‌های این کتاب، بر نویسندگان منت نهاده و زمینه انتشار آن را با ایرادهایی کمتر در آینده فراهم کنند.

امید است آیندگان در وصف ساکنان امروز ایران زمین این جمله را بگویند که:

«ایران شهر ناپایدار بود و ساکنان آن در این برهه تاریخی با تلاش‌های خود آن را پایدار کرده و

امکان استمرار آن را در تاریخ فراهم نمودند.»

فصل اول

پایداری ملی، ابعاد و شاخص‌ها

۱. ایران و پایداری

«هانس کارل فن کارلویتز»^۲ جنگلبان آلمانی، نخستین کسی بود که در اوایل قرن گذشته، با تمرکز بر حوزه کاری خود از مفهوم پایداری^۳ استفاده کرد؛ مفهومی که بعدها تبدیل به «دانش واژه‌ای مرزی»^۴ شد که مرزهای بین علوم در حوزه‌های گوناگون را در نوردید و آنها را به یکدیگر پیوند داد. کارلویتز پایداری جنگل را به معنای مدیریت آن، به گونه‌ای که بر عمر و ماندگاری جنگل افزوده شود تعریف کرد (اسکونز و همکاران، ۲۰۰۷). با تعمیم این تعریف به تمامی سیستم‌های^۵ طبیعی و مصنوعی می‌توانیم، پایداری را به معنی «مدیریت یک سیستم^۶ برای ماندگاری در طول زمان و مصون داشتن آن از خطر نابودی بواسطه اثرات مخرب عوامل درونی و بیرونی» تعریف کنیم.^۷

ایران به منزله یک سیستم جغرافیایی - سیاسی دارای یک پیشینه تاریخی از زمان نخستین تلاش‌ها برای تاسیس این سیستم و بخش‌های گوناگون آن تاکنون است. این زمان را می‌توان مقارن با سال ۵۵۹ پیش از میلاد و زمانی دانست که کوروش شروع به بنیان نهادن قلمروی نمود که بعدها تبدیل به نخستین امپراتوری بزرگ جهان شد و در دوران اوج وسعت خود مساحتی نزدیک به ۱۱ میلیون کیلومتر مربع داشته است. مرزهای این سیستم از حیث سیاسی در این بستر تاریخی بنا به دلایل گوناگون در زمان‌های مختلف دستخوش تغییراتی شده است تا پس از تغییرات گسترده در دوره قاجار، نهایتاً در دوران محمد رضا پهلوی و در سال ۱۳۵۰ با جدایی بحرین از ایران به وسعت و مرزهای کنونی رسیده است.^۸

بر این اساس هنگامی که از پایداری ایران سخن می‌گوییم، مقصود مدیریت یک قلمرو جغرافیایی - اجتماعی^۹ به وسعت ۱ میلیون و ۸۷۳ هزار و ۹۵۹ کیلومتر مربع به گونه‌ای است که این سیستم پیچیده با مصون ماندن از اثر عوامل اخلاص‌گر درونی و

2. Von carlowitz, Hans, Carl.

3. Sustainability

4. Boundary term

گایرین (Gieryn) اصطلاح دانش واژه مرزی را از آن رو به مفهوم پایداری اطلاق کرده است که این اصطلاح مرزهای بین علوم در حوزه‌های گوناگون را در نوردیده و از مجرای آن علوم با سیاست و سیاست با علوم تلاقی نموده و در هم آمیخته شده‌اند (اسکونز و همکاران، ۲۰۰۷).

۵. در این کتاب منظور از سیستم هر کلیت طبیعی و یا مصنوعی است که حاصل در کنار هم قرارگیری مجموعه‌ای از اجزاست که به گونه مشخصی با یکدیگر ارتباط یافته‌اند.

۶. این سیستم می‌تواند سیستمی زیستی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا ترکیبی از تمامی آنها باشد که یکی از اشکال آن قلمروهای جغرافیایی - سیاسی در مقیاس کشور است.

۷. در تعریفی مشابه مارکولو و لانگ (Markulev, A&Long, A.) پایداری را در عام‌ترین سطح آن به عنوان ظرفیت ادامه‌ی یک فعالیت یا فرایند به مدتی نامحدود تعریف کرده‌اند (مارکولو و لانگ، ۲۰۱۳).

۸. ایران دارای یک قلمرو فرهنگی فراتر از مرزهای سیاسی کنونی نیز هست که موضوع بحث این کتاب نیست.

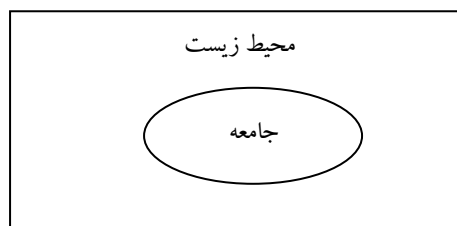
۹. در این کتاب مفهوم اجتماعی به معنای عام آن که شامل اقتصاد، سیاست، آموزش و ... است به کار برده می‌شود.

بیرونی، در طول زمان استمرار یابد؛ ناپایداری ایران نیز هرگونه وضعیتی است که در مراحل نهایی می‌تواند به تغییر مرزهای این سیستم و پیدایش سیستم‌های جغرافیایی - سیاسی جدیدی منجر شود که علیرغم مشابهت با نام ایران، دیگر نمی‌توان آنها را همان سیستم قبلی دانست؛ همانگونه که ایران دوره صفوی، با ایران اواخر قاجار و با ایران کنونی با معیار قرار دادن مرزهای این سیستم جغرافیایی - سیاسی، ماهیتاً متفاوت است. از این منظر بر خلاف نظر افرادی که ایران را یک موجودیت مانا در تاریخ می‌دانند؛ از منظر این کتاب، ایران یک سیستم جغرافیایی - سیاسی کهن، اما ناپایدار است، که از منظری ملی باید علت ریشه‌ای این ناپایداری را شناسایی نمود و پیش از آنکه این علت، سبب ساز ناپایداری‌هایی اساسی و احیاناً تغییر مرزهایی دوباره شود برای آن تمهیداتی اندیشید.

بسته به نوع و پیچیدگی سیستم مورد مطالعه، می‌توانیم وضعیت پایداری آن را از طریق سنجش ابعادی که خود متشکل از مجموعه‌ای از شاخص‌ها هستند مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم. این ابعاد در کنار یکدیگر فضایی را تشکیل می‌دهند که با توجه به موضوع این کتاب، آن را «فضای حالت پایداری ملی» می‌نامیم و در بخش بعد توضیحاتی درباره آن ارائه شده است.

۲. ابعاد فضای حالت پایداری ملی

هر واحد جغرافیایی سیاسی به صورت عام دارای دو بُعد اساسی است: یک بُعد کلان جامعه انسانی که از جوامع انسانی خردتری با ویژگی‌هایی متفاوت تشکیل شده و دیگری قلمرویی جغرافیایی که به منزله محیطی این مجموعه انسانی را در بر گرفته است.



شکل ۱: ابعاد کلی یک واحد جغرافیایی - سیاسی

از آنرو که محیط زیست، محیط احاطه‌کننده جامعه است و بدون آن نمی‌توان تصور وجود جامعه‌ای را داشت، بنابراین رابطه جامعه با محیط‌زیست باید به گونه‌ای تنظیم شود که جامعه در کوتاه و بلند مدت سبب نابودی محیط‌زیست و یا ایجاد تغییراتی غیر قابل پیش‌بینی و بی‌بازگشت در آن نشود. از این‌رو فضای حالت پایداری یک واحد جغرافیایی - سیاسی به صورت عام و یک واحد ملی به صورت خاص، از دو بُعد اساسی محیط‌زیست و جامعه تشکیل شده است که برای مشخص کردن جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی در این فضای حالت، باید با توجه به این دو بُعد اساسی، مجموعه شاخصی را برای سنجش وضعیت واحد طراحی نمود و مورد سنجش قرار داد.

بعد جامعه نیز خود از ابعاد گوناگونی چون اقتصاد، آموزش، بهداشت و ... تشکیل شده است که هر یک نیازمند شاخص‌سازی و سنجش برای تعیین هرچه دقیق‌تر جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری است.

این مجموعه شاخص باید دارای دو ویژگی اساسی باشد:

نخست آنکه باید جامع باشد؛ یعنی کلیه ابعاد کلیدی و مهم اثرگذار بر وضعیت پایداری آن واحد جغرافیایی - سیاسی را مورد توجه قرار دهد؛ چرا که نادیده گرفتن یک بُعد و یا یک شاخص کلیدی می‌تواند بواسطه عدم آگاهی بلند مدت نسبت به آن موجب ایجاد ناپایداری و در نهایت فروپاشی سیستم شود.

دومین ویژگی این مجموعه شاخص آن است که باید مانع باشد؛ یعنی شاخصی که به ما در فهم وضعیت پایداری و ناپایداری آن واحد کمک‌چندانی نمی‌کند در آن نباشد؛ چرا که کثرت شاخص‌های مورد سنجش می‌تواند سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را به اشتباه اندازد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که برآیند وضعیت مجموع این شاخص‌ها دارای اهمیت است و باید معیار تصمیم‌گیری درباره یک کنش یا سیاست باشد. توجه به برخی شاخص‌ها و عدم توجه به شاخص‌های دیگر این مجموعه می‌تواند سیاست‌گذاران را در تصمیم‌گیری دچار اشتباه نموده و پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی را با مخاطراتی روبرو نماید.

در متون مختلف، ابعاد گوناگونی را برای مفهوم پایداری در واحدهای جغرافیایی - سیاسی بر شمرده‌اند که تمامی این متون بر ارکان اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی^{۱۰} مفهوم پایداری تاکید دارند؛ با توجه به توضیحات فوق، این کتاب دو رکن اجتماعی و اقتصادی را ذیل بُعد جامعه تعریف نموده و به بُعد محیط‌زیستی نیز به صورت مستقل خواهد پرداخت. البته برخی از نویسندگان معتقدند که باید مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی (کلمن و فارینگتن، ۲۰۱۰) و نهادی (هاک و همکاران، ۲۰۰۷) را نیز به این ارکان اضافه نمود. به عبارت دیگر برخی معتقدند که پایداری شامل اهداف محیط‌زیستی (احترام گذاشتن به محدودیت‌های طبیعت) استانداردهای اجتماعی (زندگی آبرومندانه)، شرایط اقتصادی (رقابت و همچنین رشد) و نقش نهادی (مشارکت، توانمندسازی اجتماعات و زنان، صلح و عدالت) است (اسپانگنبرگ^{۱۱}، ۲۰۰۷)؛ این کتاب

۱۰. باید توجه داشت که هر یک از این ارکان و شاخص‌ها به شدت با یکدیگر در تعامل بوده و بر هم اثرگذارند. به عنوان مثال یک اقدام که منجر به بهبود شاخص‌های اقتصادی یک واحد جغرافیایی - سیاسی می‌شود می‌تواند با اثرگذاری منفی بر شاخص‌های اجتماعی و یا محیط‌زیستی آن واحد و یا واحد همسایه دیگر، نه تنها پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی را در فضای حالت بهبود نداده بلکه موجب ایجاد ناپایداری‌هایی اساسی در بلند مدت شود. از این رو باید توجه داشت که پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی، موضوعی پیچیده و بین رشته‌ای است و با رویکردها و نگرش‌های بخشی، حوزه‌ای و رشته‌ای محقق نخواهد شد. از سوی دیگر باید توجه داشت که هیچ راه حل و نسخه از پیش نوشته شده‌ای برای پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی وجود ندارد؛ پیچیدگی متغیرهای اثرگذار و تو در تویی این عوامل به گونه‌ای است که هر لحظه نیازمند اقدام و کنشی متفاوت از زمان‌های دیگر در جهت افزایش پایداری است؛ امری که ما را به سیستم‌های حکمرانی تطبیقی رهنمون می‌شود که در بخش‌های دیگر کتاب به آن پرداخته خواهد شد.

11 - Spangenberg, J.H.

گرچه در نهایت تمامی این ابعاد را مورد نظر قرار خواهد داد اما بواسطه اثر علی برخی بر دیگری در بخش‌های متفاوت به آنها می‌پردازد.

با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد که می‌توانیم ابعاد و ارکان زیر را برای مفهوم پیچیده پایداری در یک واحد جغرافیایی - سیاسی به صورت عام و یک کشور به صورت خاص در نظر بگیریم:

جدول شماره ۱: ابعاد واحد جغرافیایی - سیاسی و ارکان پایداری در آن

ارکان پایداری	ابعاد	واحد جغرافیایی - سیاسی
محیط‌زیستی	محیط‌زیست	
اقتصادی	جامعه	
اجتماعی		

همانطور که پیشتر نیز بیان شد باید توجه داشت به غیر از رکن محیط‌زیستی که واحد جغرافیایی - سیاسی و سایر ارکان در درون آن تعریف می‌شود و بدون آن سایر ارکان بی‌معنا خواهند بود، هیچ‌یک از این ارکان به خودی خود بر دیگری ارجحیت نداشته و قضاوت درباره اهمیت یک رکن بر دیگری در یک نقطه زمانی - مکانی تنها با در نظر گرفتن اثراتی که بر جایگاه کلی واحد در فضای حالت پایداری بر جای می‌گذارد قابل تحلیل و بررسی است. به عنوان مثال تاکید بیش از حد بر رکن اقتصادی و نادیده گرفتن اثر آن بر سایر ارکان محیط‌زیستی و اجتماعی می‌تواند در بلند مدت ناپایداری را در جامعه و آن واحد جغرافیایی - سیاسی به گونه‌ای افزایش دهد که حتی رشد اقتصادی موقت ایجاد شده نیز متوقف شود.^{۱۲}

برای افزایش پایداری در یک واحد جغرافیایی - سیاسی، کلیه اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها باید با در نظر داشتن اثرات آنها بر هر یک از این ارکان و بر کل مفهوم پایداری صورت پذیرد تا در بلند مدت جایگاه آن واحد در فضای حالت پایداری بهبود یافته و یا بدتر نشود. از همین رو تعیین شاخص‌هایی برای هر یک از این ارکان که قابلیت سنجش به صورت کمی یا کیفی را داشته باشند از اهمیت اساسی در تعیین جایگاه واحدهای جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری برخوردار است. البته لازم به یادآوری است که مسأله‌ی تعیین شاخص‌هایی دقیق و قابل سنجش برای هر یک از ارکان مفهوم پایداری، خود مسأله‌ای چالش برانگیز بوده و به شدت به رشد و گسترش دانش بشری وابسته است.

۱۲. وضعیت نامناسب کنونی ایران در ارتباط با منابع آب که تحت تاثیر سیاست‌گذاری‌های نامناسب و برداشت‌های بی‌رویه با توجیحات گوناگون پدیده آمده و رفته رفته می‌رود بخش‌های قابل توجهی را به بیابان‌هایی خشک تبدیل نموده و امنیت ملی کشور را با مخاطراتی جدی روبرو نماید نمونه‌ای از این مورد است.

در ادامه تلاش شده است با مطالعه شاخص‌های تهیه شده از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف و البته تمرکز مشخص بر واحد جغرافیایی - سیاسی ایران، برای هر یک از ابعاد واحد جغرافیایی - سیاسی و ارکان پایداری در آن مجموعه شاخصی مقدماتی جهت سنجش مفهوم کلیدی پایداری که گام نخست برای تعیین جایگاه واحد در فضای حالت پایداری است ارائه شود.

۳. شاخص‌های محیط زیستی پایداری

پایداری محیط‌زیستی یا بوم‌شناختی واحد جغرافیایی - سیاسی اساسی‌ترین رکن پایداری است که بر حفظ و پاسداشت سیستم‌های حامی حیاتی تأکید می‌کند که بدون آنها نه بشر، نه جامعه و نه اقتصاد نمی‌توانند وجود داشته باشند. این سیستم‌های حامی حیات، شامل هواکره، آب و خاک هستند، که لازم است همه‌ی آنها سالم باشند؛ بدین معنا که ظرفیت خدمات محیط‌زیستی‌شان باید حفظ شود. نابودی مداوم یا آسیبی که فعالیت‌های انسانی به خدمات محیط‌زیستی غیر قابل جایگزین وارد می‌آورد با پایداری ناسازگار است (گودلند، ۱۹۹۵ و ر.ک ساتن^{۱۳}، ۲۰۰۴). محیط‌زیست از آن‌رو که بستر اصلی زندگی انسان و تمامی فعالیت‌های انسانی است، مهمترین رکن مفهوم پایداری و خط قرمزی است که باید بشر و جوامع انسانی، فارغ از ارزش ذاتی آن، در کلیه فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود به آن توجه نموده و از انجام اقداماتی که ضربات جبران‌ناپذیری را در کوتاه و یا بلند مدت بر آن وارد می‌نماید خودداری کنند.

یک واحد جغرافیایی - سیاسی که از نظر محیط‌زیستی پایدار است، واحدی است که مبنای ثابتی برای منابع خود دارد، از بهره‌برداری بیش از اندازه از سیستم‌های منابع تجدیدپذیر یا کارکردهای نابودسازنده‌ی محیط‌زیست اجتناب می‌کند و منابع تجدیدناپذیر را تنها به اندازه‌ای کاهش می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی جایگزین‌های مناسب آن صورت گرفته باشد. پایداری محیط‌زیستی شامل حفظ تنوع زیستی، ثبات جوی و دیگر کارکردهای زیست بوم است که معمولاً به عنوان منابع اقتصادی طبقه‌بندی نمی‌شوند. شاخص‌های مختلفی توسط افراد و سازمان‌های گوناگون (ر.ک هریس، ۲۰۰۳؛ هاک و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاموند و همکاران، ۱۹۹۵؛ هاموند و همکاران، ۱۹۹۵؛ دانشگاه‌های ییل و کلمبیا (۲۰۰۵))^{۱۴} برای سنجش پایداری محیط‌زیستی طراحی شده است که در جدول زیر به مهمترین آنها با توجه به دو ویژگی جامع و مانع بودن اشاره شده است.

13. Sutton, Philip

14. <http://sedac.ciesin.columbia.edu/data/collection/esi>

جدول شماره ۲: شاخص‌های محیط زیستی پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی

مضمون	خرده مضمون	شاخص	
هواکره	تغییر اقلیم	میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای	
	اتمسفر و کیفیت هوا		میزان مصرف مواد آلوده کننده‌ی اوزون
			میزان تمرکز فراگیر آلودگی هوا در مناطق شهری
			میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن به تفکیک بخش‌های مختلف (صنعتی، خانگی، نیروگاهی و ...)
			میزان انتشار اکسید سولفور
			میزان انتشار اکسید نیتروژن
			نسبت روزهای هوای پاک به ناپاک در طول سال
			شاخص کیفیت هوا بر حسب ذرات معلق زیر ۵.۲ میکرون (PM _{۵.۲})
زمین		نرخ تغییر کاربری زمین	
		نرخ فرسایش خاک	
		تراکم جمعیت	
		نسبت دام به مرتع ^{۱۵}	
پسماند		سرانه تولید پسماند جامد شهری و صنعتی	
		درصد بازیافت پسماند و استفاده مجدد از آن	
		تولید پسماندهای خطرناک	
		تولید پسماندهای رادیو اکتیو	
	کشاورزی		درصد زمین کشاورزی دائمی و قابل کشت
		میزان استفاده از کودهای شیمیایی	

15. <http://frw.org.ir/00/Fa/StaticPages/Page.aspx?tid=1501>

میزان استفاده از سموم کشاورزی		
درصد کشت محصولات منطبق با توان اکولوژیک منطقه به کل محصولات		
نسبت آب مصرفی برای تولید محصول کشاورزی در منطقه در مقایسه با بهترین عملکردهای جهانی		
نسبت کشت محصولات ارگانیک به کل محصولات		
نسبت مناطق جنگلی نابوده شده به کل مناطق جنگلی (سالانه)	جنگل‌ها	
نرخ بیابان‌زایی	بیابان‌زایی	
نسبت مساحت سکونت‌گاه‌های رسمی و غیر رسمی شهری به کل مساحت	شهرنشینی	
وضعیت ذخایر دریایی		اقیانوس‌ها ، دریاها و سواحل
نسبت ذخایر ماهی در محدوده زیستی امن		
نسبت مناطق حفاظت‌شده دریایی	دریا و ساحل	
منطقه اکو سیستم صخره‌های مرجانی و درصد پوشش زنده		
انبوهی جلبک در آب‌های ساحلی		
درصد کل جمعیتی که در نواحی ساحلی زندگی می‌کنند		
صید سالانه‌ی گونه‌های مهم	شیلات	
افت سالانه سطح آب‌های سطحی و زیرزمینی		آب تازه
نرخ فرونشست زمین		
شدت مصرف آب توسط بخش‌های مختلف	کمیت آب شیرین	
نسبت مصرف به میزان آب تجدیدپذیر		
نرخ بازچرخانی آب در بخش‌های مختلف		
نیاز بیوشیمیائی به اکسیژن در سفره‌های آب	کیفیت	

انبوهی کلی فرم مدفوعی در آب تازه ^{۱۶}	آب شیرین		
درصد فاضلاب تصفیه شده			
کیفیت بیولوژیک و شیمیایی رودخانه‌ها			
کیفیت بیولوژیک و شیمیایی آب‌های زیرزمینی			
میزان وجود فسفر در آب شرب	زیست بوم		
مساحت زیست‌بوم‌های مهم انتخاب شده			
نسبت مساحت مناطق حفاظت شده به کل مساحت	گونه‌ها		تنوع زیستی
فراوانی گونه‌های در معرض خطر			
میزان تغییر سالیانه در گونه‌های کلیدی (گیاهی، جانوری)			

۴. شاخص‌های اقتصادی پایداری

اقتصاد، یکی از دو بُعد اساسی جامعه و رکنی از پایداری است که بر بخشی از منابع طبیعی که دروندادهای فیزیکی قابل تجدید (به طور مثال جنگل‌ها) و تمام شدنی (به عنوان مثال مواد معدنی) را برای فرایندهای تولیدی تدارک می‌بیند تمرکز می‌کند (گودلند، ۱۹۹۵). رکن اقتصادی پایداری در مقایسه با دو رکن دیگر (محیط‌زیستی و اجتماعی) در دو قرن اخیر بیشتر مورد تاکید و توجه بوده است و همین تاکید بیش از حد، علیرغم اهمیت کمتر نسبت به ابعاد محیط‌زیستی و حتی اجتماعی، خود یکی از عوامل اساسی وضعیت نامناسب پایداری در جهان کنونی است. از نظر اقتصادی، پایداری در صورتی محقق می‌شود که خوشبختی و رفاه جامعه در طول زمان حفظ شود. منظور از رفاه، مصرف کالاها و خدمات بازار است که از طریق تولید اقتصادی ممکن شده است؛ و شامل خدمات محیط‌زیستی و خانوار و دیگر پیامدهای غیربازاری از قبیل همبستگی اجتماعی است. به عبارت دیگر در بحث از پایداری اقتصادی بر مفاهیمی چون رفاه، مطلوبیت و بهزیستی تأکید می‌شود (مارکولو و لانگ، ۲۰۱۳). هریس^{۱۷} پایداری اقتصادی را این گونه تعریف نموده است: یک سیستم پایدار از نظر اقتصادی

۱۶. کلی فرم مدفوعی (faecal coliform): کلی فرم‌ها به عنوان شاخص میکروبی مناسبی برای نشان دادن آلودگی مدفوعی در نمونه های آب مورد استفاده قرار می‌گیرند. از جمله ویژگی‌هایی که باعث شده این گروه از باکتری‌ها به عنوان شاخص میکروبی برای نشان دادن آلودگی مدفوعی آب مورد استفاده قرار گیرند (<http://www.environmentalhealth.ir>).

17. Harris, J.M.

سیستمی است که قادر به تولید مداوم کالاها و خدمات به منظور حفظ سطوح قابل مدیریت هزینه‌های دولت و قرض خارجی است و از عدم تعادل بخش‌های مختلف اقتصادی که به تولید صنعتی و کشاورزی آسیب می‌رسانند، اجتناب می‌کند (هریس، ۲۰۰۳). در جدول زیر شاخص‌های مربوط به بُعد اقتصادی پایداری آورده شده است.

جدول شماره ۳: شاخص‌های اقتصادی پایداری^{۱۸} و واحد جغرافیایی - سیاسی

شاخص	خرده مضمون	مضمون
تولید ناخالص داخلی سرانه	عملکرد اقتصادی	ساختار اقتصادی
درآمد سرانه		
درآمد قابل تصرف خانوار ^{۱۹}		
نرخ تورم		
ضریب نفوذ کاربران اینترنت ^{۲۰}		
ضریب نفوذ کاربران تلفن همراه		
سرمایه انسانی		
شاخص بهره‌وری		
ضریب جینی ^{۲۱}		
سهم سرمایه گذاری در GDP		

۱۸. چارچوب اولیه این جدول بر اساس شاخص‌های طراحی شده توسط سی اس دی (۲۰۰۶) است که با منابع داده‌ای و مجموعه شاخص‌های دیگر تکمیل شده است. سی اس دی با در نظر گرفتن چهار رکن برای پایداری (اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و نهادی) مجموعه شاخص‌هایی را برای سنجش هر یک از این ارکان پیشنهاد نموده است. این شاخص‌ها برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر و سپس در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ اصلاح شدند. این مجموعه شاخص‌ها شامل ۱۴ مضمون، ۵۰ خرده مضمون و ۹۶ شاخص است.

۱۹. درآمدی است، که فرد می‌تواند، به مصرف و پس انداز، تخصیص دهد و مقدار آن، از طریق کسر نمودن درآمد شخصی، از مالیات بر درآمد، بدست می‌آید. در حوزه کلان، درآمد قابل تصرف؛ با اضافه کردن تمام انتقالات جاری دریافتی، بجز انتقالات اجتماعی غیر نقدی و کسر کردن تمام انتقالات جاری پرداختی، بجز انتقالات اجتماعی غیر نقدی، به درآمد اولیه یک واحد تجاری، یا بخش نهادی، بدست می‌آید. درآمد قابل تصرف، قلم تراز کننده حساب توزیع ثانویه درآمد است.

20. <http://sccr.ir/Pages/?current=news&gid=3&Sel=1381429>

21. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1389/zarib%20jini-89-94.pdf>

تعادل داد و ستد کالاها و خدمات	تجارت	
قرض به نسبت تولید ناخالص ملی	وضعیت مالی	
ODA کلی دریافت شده یا رسیده به عنوان درصد تولید ناخالص ملی		
تغییرات تعداد بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط (زیر ۱۰ نفر شاغل) ^{۲۲}	اشتغال	
نرخ اشتغال به تفکیک بخش (صنعت، کشاورزی و خدمات)		
نرخ خود اشتغالی		
نرخ اشتغال پاره وقت		
نرخ بیکاری		
سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی		
مجموع بدهی دستگاه‌های دولتی	بودجه	
سرانه بودجه عمومی		
سرانه بودجه جاری		
سرانه بودجه عمرانی		
سرانه مخارج اجتماعی		
درآمدهای مالیاتی ^{۲۳}		
سپرده‌های بخش غیر دولتی نزد بانک‌ها		
شدت استفاده‌ی مادی	مصرف مادی	الگوهای

۲۲. تقریباً حدود ۸۰ درصد اشتغال کل در این بنگاه‌ها صورت می‌گیرد و از این نظر اهمیت دارند.

۲۳. به تفکیک دولتی و غیردولتی و بخش اقتصادی

شدت مصرف انرژی ^{۲۴}	استفاده از انرژی	تولید و مصرف
بهره‌وری انرژی ^{۲۵}		
درصد تولید انرژی تجدیدپذیر از انرژی کل		
سرانه مصرف آب، برق و گاز در بخش‌های مختلف	حمل و نقل	
سرانه‌ی فاصله‌ی پیموده شده بر اساس شیوه‌ی حمل و نقل		

۵. شاخص‌های اجتماعی پایداری

پایداری اجتماعی یکی دیگر از ارکان پایداری جامعه و پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی است، این رکن به اندازه‌ای اهمیت دارد که در صورت عدم توجه به آن می‌تواند با اثرگذاری مخرب بر ارکان اقتصادی و محیط‌زیستی پایداری، چالش‌های عدیده‌ای را برای پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی ایجاد نماید. پایداری اجتماعی را به عنوان شرایط بهبوددهنده‌ی زندگی در یک جامعه و فرایندهای موجود در آن جامعه که دستیابی به این شرایط را میسر می‌سازند، تعریف نموده‌اند (مک کنزی، ۲۰۰۴)؛ اجتماعی را می‌توان پایدار دانست که در آن، دسترسی یکسان و فراگیری به خدمات مهم (شامل بهداشت، آموزش، حمل و نقل، مسکن و تفریح) وجود دارد؛ نسل‌های آتی به سبب فعالیت‌های نسل فعلی متضرر نمی‌شوند؛ در آن جامعه یک سیستم روابط فرهنگی وجود دارد که در آن جنبه‌های مثبت فرهنگ‌های ناهمسان ارزشمند شمرده شده و حفظ می‌شود؛ انسجام فرهنگی در آن مورد حمایت قرار گرفته و ترویج می‌شود؛ مشارکت سیاسی گسترده‌ی

۲۴. این شاخص با تقسیم واحدی از انرژی بر واحدی از تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. از واحدهای مختلفی برای این اندازه‌گیری استفاده می‌شود. مثلاً یک یا هزار یا یک میلیون دلار به عنوان واحد تولید ناخالص داخلی و معادل یک بشکه نفت خام یا ۱۰۰۰ بی‌تی‌یو، یا کیلو ژول به عنوان واحد مصرف انرژی. بالا بودن شدت مصرف انرژی نشانگر مصرف بیشتر انرژی است. مثلاً اگر شدت مصرف انرژی در استان یا کشور الف دو برابر استان یا کشور ب باشد یعنی کشور الف برای تولید میزان برابری از کالا و خدمات دو برابر کشور ب انرژی مصرف کرده‌است.

با توجه به روش‌های مختلفی که برای اندازه‌گیری شدت مصرف انرژی و همچنین تولید ناخالص داخلی وجود دارد، ارقام متفاوتی از شدت مصرف انرژی کشورها در منابع مختلف اعلام شده‌است. شدت مصرف انرژی از شاخص‌های مطلوب برای مقایسه بهره‌وری مصرف انرژی محسوب می‌شود اما با این نقیصه روبروست که عواملی چون شرایط آب و هوایی (مثل سرمای شدید)، تفاوت‌های جغرافیایی و همچنین ساختارهای اقتصادی و نوع صنایع کشور در آن لحاظ نمی‌شود.

۲۵. میزان تولید کالاها و خدمات به ازای مصرف هر واحد انرژی را بهره‌وری انرژی می‌نامند. واحدهای متفاوتی برای اندازه‌گیری بهره‌وری انرژی وجود دارد. در گزارش‌های بانک مرکزی ایران میزان تولید ناخالص داخلی به ازای هر بشکه معادل نفت خام مصرف انرژی معیار محاسبات است. در مورد کشورها یا استان‌های صادرکننده حامل‌های انرژی باید این نکته را در نظر داشت که چون بخشی از تولید ناخالص داخلی این استان‌ها از طریق صدور حامل‌های انرژی به دست می‌آید، لذا باید قسمت مربوط به صدور حامل‌های انرژی را از تولید ناخالص داخلی آنها کسر کرد.

شهروندان نه تنها در انتخابات بلکه در دیگر حوزه‌های فعالیت سیاسی و مدنی به خصوص در سطح محلی وجود دارد؛ سیستم آموزشی توانمندی برای انتقال آگاهی درباره پایداری اجتماعی از نسلی به نسلی دیگر وجود دارد؛ افراد جامعه در ارتباط با انتقال این آگاهی احساس مسئولیت می‌کنند؛ سازوکارهایی وجود دارد که اجتماع بتواند از طریق آنها به صورت جمعی نقاط قوت و نیازهایش را تعیین کند؛ سازوکارهایی وجود دارد که اجتماع در صورت امکان از طریق آنها و به واسطه‌ی کنش جمعی نیازهایش را برآورده کند؛ سازوکارهایی برای هواداری سیاسی وجود دارد تا از طریق آنها نیازهایی که قابل برآورده شدن به وسیله‌ی کنش اجتماعی نیستند، برآورده شوند. سیستم اجتماعی پایدار باید در جهت تحقق انصاف در زمینه‌ی توزیع و فرصت، تدارک مناسب خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت و آموزش، برابری جنسیتی و مشارکت و مسئولیت‌پذیری سیاسی تلاش نماید (هریس، ۲۰۰۳). شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلفی برای سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی ارائه شده که در جدول زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های اجتماعی پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی

مضمون	خرده مضمون	شاخص
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی در سطح کلان، میانه و خرد ^{۲۶}	نمره و رتبه سرمایه اجتماعی در مقایسه با دیگر واحدها
برابری	فقر	درصد جمعیت زیر خط فقر
		درصد سالمندان زیر خط فقر
		ضریب جینی نابرابری اقتصادی
		نرخ بیکاری
		درصد افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی
		درصد افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی که در سال گذشته توانمند شده‌اند
		درصد جمعیت حاشیه‌نشین

۲۶. سرمایه اجتماعی، ارزش افزوده حاصل از روابط اجتماعی بین کنشگران فردی و جمعی است که ویژگی‌هایی خاص بر آنها حاکم باشد. این روابط می‌تواند بین کنشگران فردی از یک سو و سیستم سیاسی کلان کشور (سرمایه اجتماعی کلان)، سازمان‌ها و نهادهای موجود (سرمایه اجتماعی میانی)، و از سوی دیگر اقشار اجتماعی و افراد (سرمایه اجتماعی خرد) برقرار باشد که ضمن اثرگذاری و تاثیرپذیری از یکدیگر سرمایه اجتماعی کلی کشور را تشکیل می‌دهند. البته این کنش‌ها می‌تواند بین کنشگران جمعی مثلاً نهادها و سازمان‌های گوناگون نیز صورت پذیرد. که علیرغم اهمیت تا کنون در پیمایش‌های صورت گرفته به آن توجه نشده اما به نظر می‌رسد جهت سنجش کامل سرمایه اجتماعی و در صورت تهیه شاخصی ملی و دولتی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد.

نرخ متوسط دستمزد زنان نسبت به دستمزد مردان	برابری (جنسی، قومی، مذهبی، دینی و سیاسی)	
درصد زنان صاحب مناصب بلند پایه		
درصد افراد صاحب مناصب بلند پایه از گروه‌های قومی مختلف		
درصد افراد صاحب مناصب بلند پایه از گروه‌های مذهبی و دینی مختلف		
میزان عادلان بودن فرایند ثبت نام کاندیداها و احزاب		
میزان دسترسی منصفانه نامزدها و احزاب گوناگون به رسانه‌ها و دیگر ابزارهای ارتباطی		
میزان بهره‌مندی همه شهروندان از حق مشارکت در انتخابات ملی		
درصد کودکان دچار سوء تغذیه	الگو و وضعیت تغذیه	
سرانه مصرف نمک، شکر، نوشابه‌های گازدار، چپس، پفک، نوشابه‌های الکلی		
سرانه مصرف میوه و سبزیجات		
نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال	مرگ و میر	
امید به زندگی در بدو تولد		
۱۰ عامل اصلی مرگ و میر به ترتیب اولویت	تندرستی	
میزان شیوع پر فشاری خون		
میزان شیوع دیابت		
میزان شیوع اضافه وزن		
نرخ شیوع ایدز		
جمعیت تحت پوشش بیمه درمانی		
سرانه مصرف سیگار و قلیان		
سرانه هزینه مراقبت بستری		
سرانه هزینه بهداشت عمومی		

درصد جمعیت برخوردار از تسهیلات دفع فاضلاب مناسب		
جمعیت برخوردار از آب آشامیدنی سالم		
میزان شیوع افسردگی		
درصد جمعیت برخوردار از دسترسی به تسهیلات مراقبت‌های بهداشتی اولیه	دریافت مراقبت‌های بهداشتی	
نرخ ایمن‌سازی کودکان در برابر بیماری‌های عفونی		
نرخ دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری		
نرخ کودکانی که تحصیلات ابتدایی را به پایان می‌رسانند	سطح آموزش	
سطح دستیابی بزرگسالان به آموزش متوسطه		
نرخ باسوادی	سواد	آموزش
ترک تحصیل زودهنگام بر حسب جنس و محل سکونت (شهر و روستا) ^{۲۷}		
بودجه صرف شده برای R & D (تحقیقات پایه، تحقیقات کاربردی، توسعه تجربی)		
تعداد و سرانه اختراعات ثبت شده		
رتبه دانش‌آموزان در آزمون‌هایی همانند تیمز و پرلز ^{۲۸}		
میانگین ضریب هوشی دانش‌آموزان طبق آزمون وزارت آموزش و پرورش		
سرانه مساحت زندگی برای هر فرد	شرایط زندگی	خانه و مسکن
درصد جمعیتی که در مناطق مستعد خطر ناشی از بلایای طبیعی زندگی می‌کنند		
خسارت‌های مالی و جانی در اثر بلایای طبیعی		

۲۷. افراد زیر ۲۴ سال که تا قبل از دیپلم ترک تحصیل می‌کنند

۲۸. این آزمون‌ها را انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IEA) که نهادی غیرانتفاعی و غیر دولتی است از چند دهه پیش، چهار سال یکبار، در دنیا برگزار می‌کند. هدایت علمی آزمون‌ها با دانشگاه علوم تربیتی بوستون آمریکا است و در آن کشورها با روشهای معتبر فنی سنجیده میشوند. پرلز PIRLS در برگزیده مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن است و در آن بررسی میشود که دانش آموزان در مدارس تا چه حدی، خواندن و درک مطلب یاد می‌گیرند و توانایی ساخت معنا به دست می‌آورند؟ تیمز (TIMSS) نیز در برگزیده مطالعه بین‌المللی روند پیشرفت ریاضیات و علوم است و اینکه دانش آموزان چقدر در تحصیلات پایه ریاضیات و علوم واقعاً پیشرفت می‌کنند.

نسبت زندانیان به جمعیت	آسیب‌های اجتماعی	امنیت
میزان پرونده‌های قضایی سالانه ^{۲۹}		
میزان پرونده‌های انتظامی استان		
نرخ اعتیاد (به تفکیک الکل و مواد مخدر صنعتی و سنتی)		
نسبت طلاق به ازدواج		
میزان اختلالات روانی		
نرخ اقدام به خودکشی		
درصد کودکان بد سرپرست		
درصد مکان‌های تاریخی ثبت شده به مکان‌های تاریخی حفاظت شده	پاسداشت داشته‌های فرهنگی	
نرخ رشد جمعیت	تغییر جمعیتی	جمعیت
نسبت جمعیت ساکن در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیر رسمی		

در این فصل تلاش شد تا ضمن روشن کردن مفهوم پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی به صورت عام و واحد ملی به صورت خاص، فضای حالت پایداری این واحدها از طریق شناسایی ابعاد و ارکان اصلی تشکیل دهنده آن و سنجه‌هایی که می‌توان از طریق سنجش آنها وضعیت این ابعاد و ارکان را مشخص نمود ترسیم شود. پس از این مرحله که مرحله‌ای بی‌پایان است و مرتباً باید توسط بخش‌هایی مشخص در واحدهای جغرافیایی - سیاسی مورد بازنگری و تدقیق قرار گیرد، گام بعد، مشخص کردن جایگاه یک واحد جغرافیایی - سیاسی در این فضای حالت از طریق سنجش ابعاد و ارکان معرفی شده است. امری که در فصل بعد توضیحاتی درباره آن ارائه خواهد شد.

۲۹. به تفکیک دادگاه و شوراهای حل اختلاف

فصل دوم

جایگاه ایران در فضای حالت پایداری

دو بُعد محیط‌زیست و جامعه و سه رکن اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در مجموع فضای حالتی را شکل می‌دهند که جایگاه واحدهای جغرافیایی - سیاسی در این فضا، معرف وضعیت پایداری آنهاست. تعیین جایگاه دقیق ایران در فضای حالت پایداری با توجه به مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در فصل قبل، با دو چالش اساسی روبروست: نخست آنکه با جستجوهای مقدماتی انجام شده، در ارتباط با بخش قابل توجهی از شاخص‌های فوق، یا داده‌های معتبری وجود ندارد و یا اصولاً این شاخص‌ها در نظام گردآوری داده در ایران قرار نداشته و داده‌ای در ارتباط با آنها در دست نیست. دوم آنکه سنجش دقیق این شاخص‌ها و دستیابی به برآوردی مقدماتی از وضعیت پایداری ایران با توجه به آنها امری زمان‌بر است که با توجه به ضرورت طرح هر چه سریعتر چارچوب کلی معرفی شده در این کتاب و دریافت نظرات اساتید، پژوهشگران، سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران در ارتباط با آن، نویسندگان ترجیح دادند که آن را به پس از انتشار نسخه اولیه‌ای از کتاب و دریافت نظرات خوانندگان موکول کنند. اما در این بخش برای آشنایی بیشتر با ایده اصلی کتاب، آنچه که می‌تواند به خروجی نهایی نزدیک باشد و ایجاد درکی از جایگاه ایران در فضای حالت پایداری، که مقدمه ورود به مباحث طرح شده در فصل‌های بعدی کتاب است، با جستجویی در مجموعه شاخص‌های جهانی موجود، شاخص کامیابی^{۳۰} موسسه لگاتوم که یکی از نزدیک‌ترین آنها به مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در فصل نخست کتاب است، انتخاب و تلاش شد تا گزارشی با توجه به آن در مورد وضعیت پایداری ایران ارائه شود. باید توجه داشت، اگرچه می‌توان در مورد میزان اعتبار شاخص‌های انتخاب شده، دقت سنجش‌های صورت گرفته و به‌روز بودن مقادیر این سنجش‌ها، ابهامات و تردیدهای قابل پذیرشی را بیان نمود، اما در مجموع به نظر می‌رسد که خروجی این شاخص، تفاوت فاحشی با فهم کیفی نخبگان، سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران ایرانی از وضعیت کلی ایران ندارد.

مجموعه شاخص کامیابی موسسه لگاتوم، از نه بُعد کیفیت اقتصادی^{۳۱}، محیط تجاری^{۳۲}، حکمرانی^{۳۳}، آموزش^{۳۴}، سلامت^{۳۵}، ایمنی و امنیت^{۳۶}، آزادی‌های فردی^{۳۷}، سرمایه اجتماعی^{۳۸} و محیط طبیعی^{۳۹} تشکیل شده است. با در نظر داشتن مجموعه

30. Prosperity index

این شاخص هر ساله توسط موسسه لگاتوم (Legatum) مورد سنجش قرار گرفته و گزارشی از آن بر روی سایت این موسسه به آدرس www.prosperity.com منتشر می‌شود.

31. Economic quality

32. Business environment

33. Governance

34. Education

35. Health

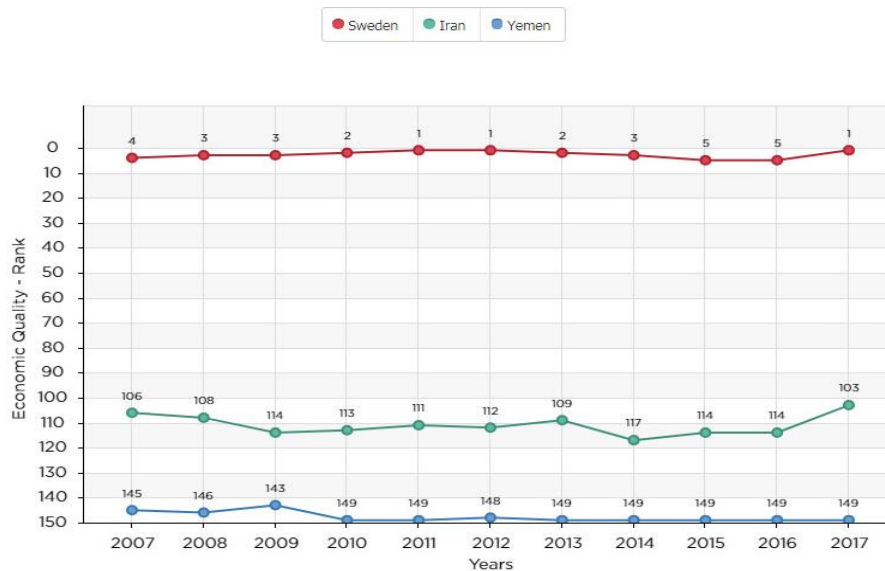
36. Safety and security

شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب، هشت بُعد این شاخص را می‌توان به سه بُعد اقتصادی (کیفیت اقتصادی، محیط تجاری)، اجتماعی (سلامت، آموزش، ایمنی و امنیت، آزادی‌های فردی، سرمایه اجتماعی) و محیط‌زیست (محیط طبیعی) تقلیل داد؛ همانطور که در فصل بعد نیز توضیح داده خواهد شد بُعد حکمرانی نیز خود شاخص مستقلی است که به هنگام بحث در مورد رابطه حکمرانی، سیستم‌های حکمرانی و پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی، وارد فضای تحلیل می‌شود. گزارشی که در ادامه ارائه می‌شود مبتنی بر گزارش منتشر شده از سوی موسسه لگاتوم در سال ۲۰۱۷ است.

۱. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری اقتصادی

۱.۱. کیفیت اقتصادی

بُعد کیفیت اقتصادی، کشورها را بر اساس بازبودن اقتصاد، شاخص‌های اقتصادی کلان، وجود بنیان‌هایی برای رشد، وجود فرصت اقتصادی و کارآیی بخش مالی رتبه‌بندی می‌کند. در سال ۲۰۱۷، ایران در این بُعد از بین ۱۴۹ کشور مورد بررسی، در جایگاه ۱۰۳ جهان قرار گرفته است. در نمودار زیر جایگاه ایران، سوئد به عنوان نخستین کشور و یمن به عنوان آخرین کشور در سال ۲۰۱۷ در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ قابل مشاهده است. در همین سال ایران در بین کشورهای بیست‌گانه منطقه از نظر شاخص کیفیت اقتصادی در رتبه دوازدهم قرار گرفته است.

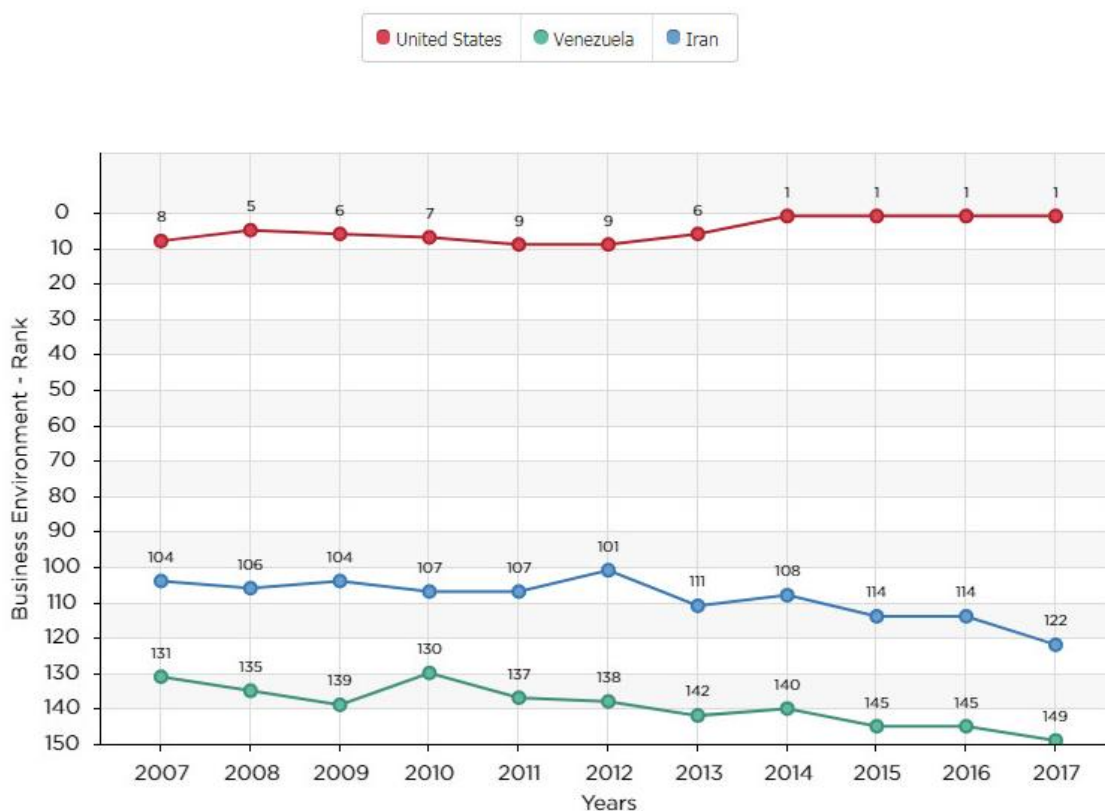


نمودار شماره ۱: وضعیت ایران در بُعد کیفیت اقتصادی در مقایسه با یمن و سوئد

- 37. Personal freedom
- 38. Social capital
- 39. Natural environment

۱,۲. محیط تجاری

بُعد محیط تجاری، وضعیت کشورها را در ارتباط با محیط کارآفرینی، زیرساخت‌های تجاری، موانع موجود در مسیر نوآوری و انعطاف‌پذیری بازار کار مورد سنجش قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۷ ایران از نظر این بُعد در جایگاه ۱۲۲ و کشورهای ایالات متحده آمریکا و ونزوئلا در رتبه‌های اول و آخر جهان قرار گرفته‌اند. در نمودار زیر جایگاه ایران در فضای حالت محیط تجاری در مقایسه با کشورهای نخست و آخر این رتبه‌بندی در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ نشان داده شده است. از نظر محیط تجاری در بین ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه، ایران در رتبه سیزدهم قرار گرفته است.

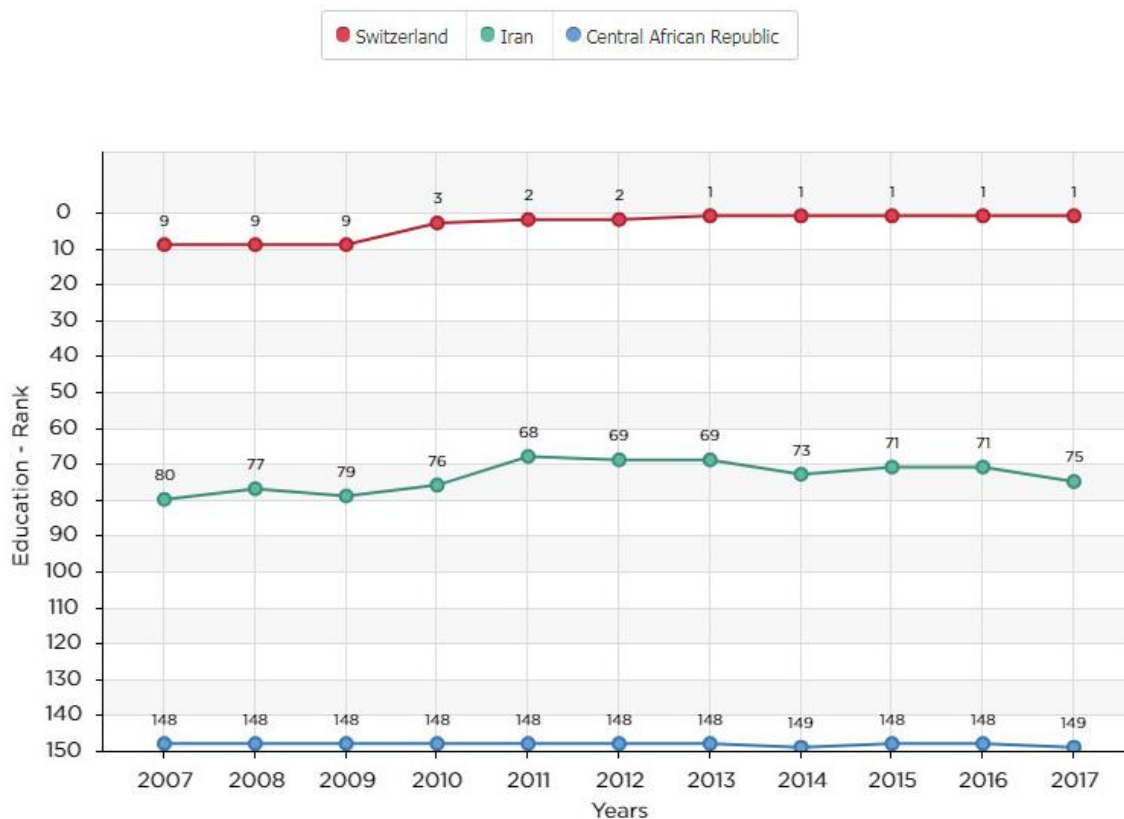


نمودار شماره ۲: وضعیت ایران در بُعد محیط تجاری در مقایسه با ایالات متحده و ونزوئلا

۲. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری اجتماعی

۲.۱. آموزش

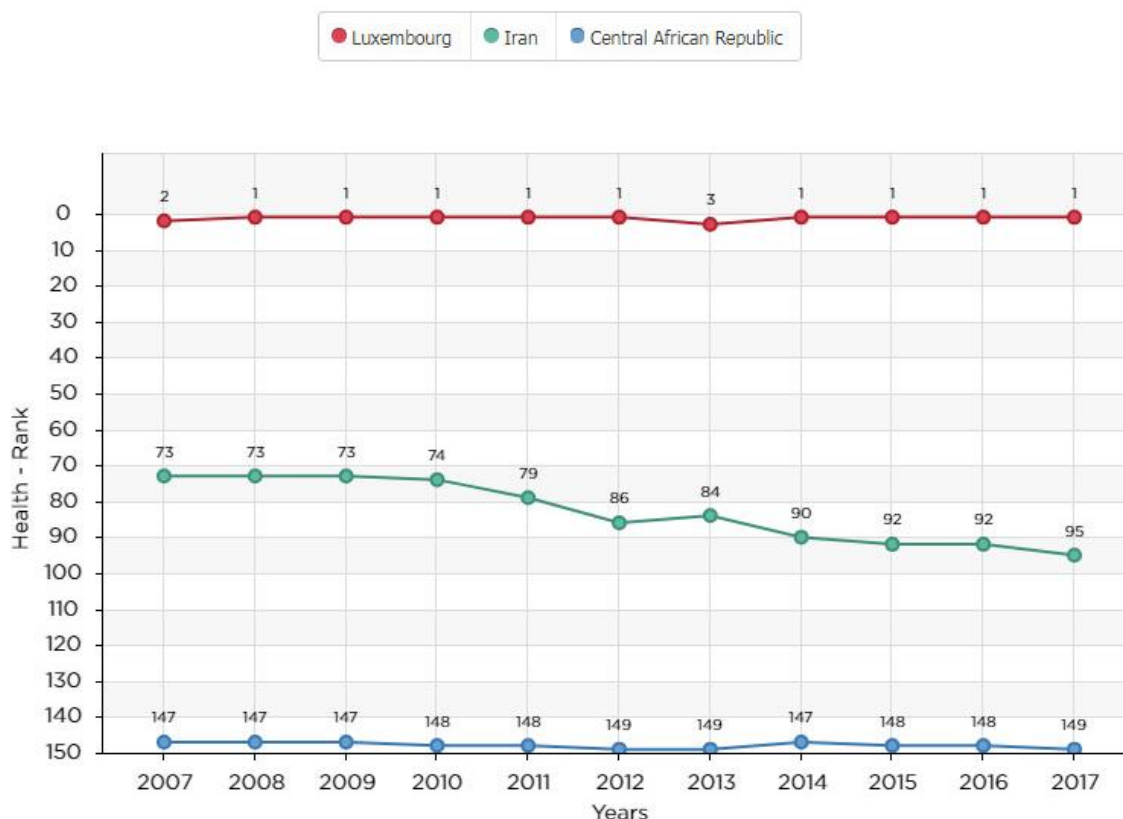
بعد آموزش، کشورهای جهان را بر اساس میزان دسترسی ساکنان آنها به آموزش، کیفیت آموزش‌ها و سرمایه انسانی مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۷ ایران در جایگاه ۷۵ جهان از نظر این بُعد قرار گرفته است. در همین سال کشورهای سوئیس و جمهوری آفریقای مرکزی در رتبه‌های اول و آخر رتبه‌بندی با در نظر داشتن این بُعد قرار گرفته‌اند. در نمودار زیر جایگاه ایران و کشورهای اول و آخر رتبه‌بندی در این فضا نشان داده شده است. شایان ذکر است که ایران بهترین رتبه خود را در مقایسه با سایر ابعاد در این بُعد به دست آورده است. در بین کشورهای بیست‌گانه منطقه خاورمیانه، ایران از نظر آموزش در جایگاه پنجم قرار دارد.



نمودار شماره ۳: وضعیت ایران در بعد آموزش در مقایسه با سوئیس و جمهوری آفریقای مرکزی

۲,۲. سلامت

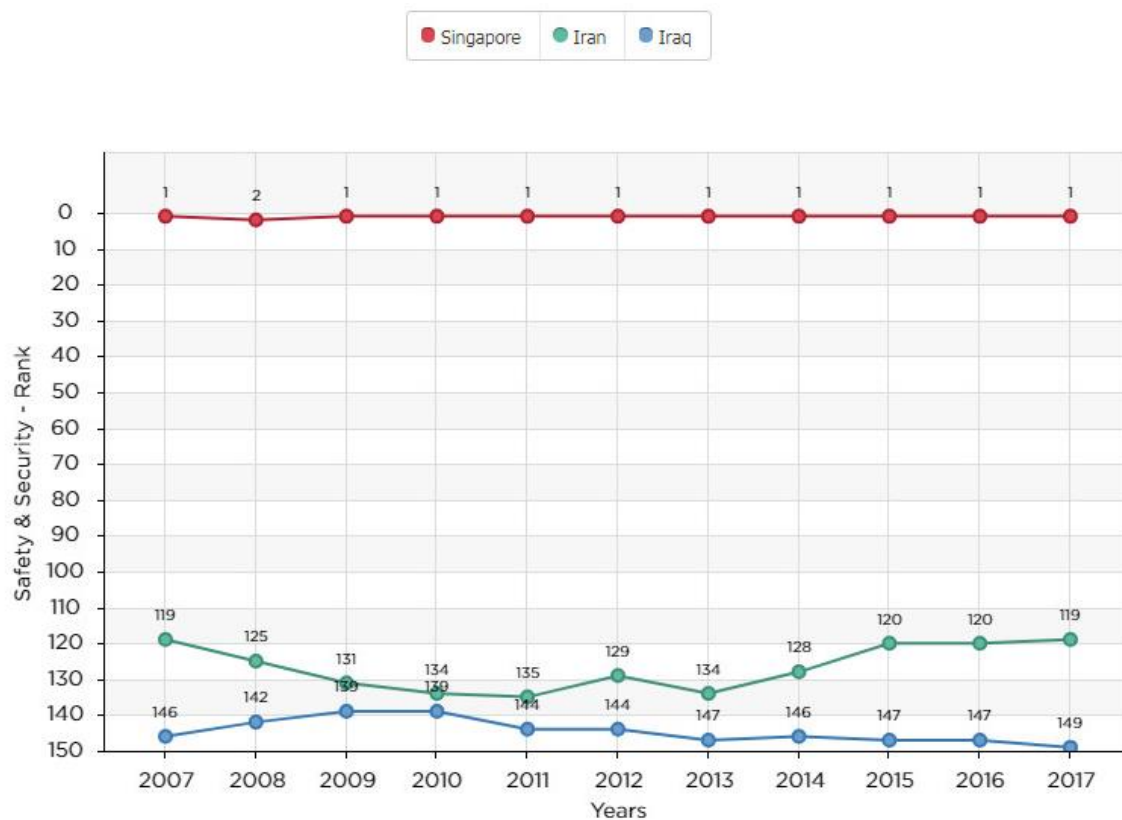
بُعد سلامت، عملکرد کشورها را در سه حوزه سلامت روانی و فیزیکی پایه، زیرساخت‌های سلامت و مراقبت‌های پیش‌گیرانه مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۷، ایران در بین ۱۴۹ کشور مورد بررسی از نظر این بُعد در جایگاه ۹۵ جهان و در بین ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه در رتبه شانزدهم قرار گرفته است. در همین سال کشورهای لوکزامبورگ و جمهوری آفریقای مرکزی در رتبه‌های اول و آخر رتبه‌بندی جای داشته‌اند. در نمودار زیر جایگاه ایران و کشورهای اول و آخر رتبه‌بندی در ارتباط با بُعد سلامت نشان داده شده است.



نمودار شماره ۴: وضعیت ایران در بُعد سلامت در مقایسه با لوکزامبورگ و جمهوری آفریقای مرکزی

۲.۳. ایمنی و امنیت

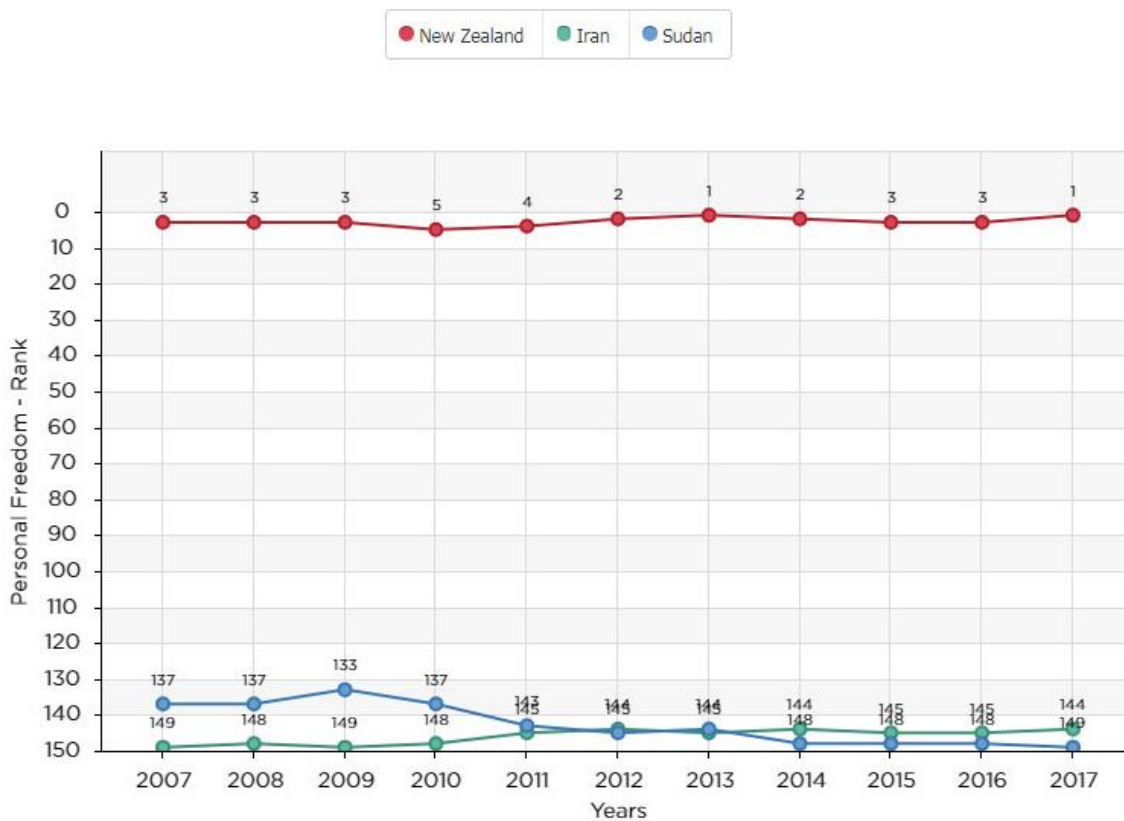
بُعد ایمنی و امنیت، وضعیت کشورها را در این حوزه بر اساس امنیت ملی و ایمنی فردی ارزیابی نموده و رتبه‌بندی‌ای را در این زمینه ارائه می‌کند. بر اساس آخرین ارزیابی‌های صورت گرفته توسط موسسه لگاتوم، ایران از این نظر در جایگاه ۱۱۹ جهان و در بین ۲۰ کشور منطقه در رتبه شانزدهم قرار گرفته و کشورهای سنگاپور و عراق در رتبه‌های اول و آخر رتبه‌بندی جای گرفته‌اند. در نمودار زیر جایگاه ایران در ارتباط با این بُعد در مقایسه با این دو کشور نشان داده شده است.



نمودار شماره ۵: وضعیت ایران در بُعد ایمنی و امنیت در مقایسه با سنگاپور و عراق

۲,۴. آزادی فردی

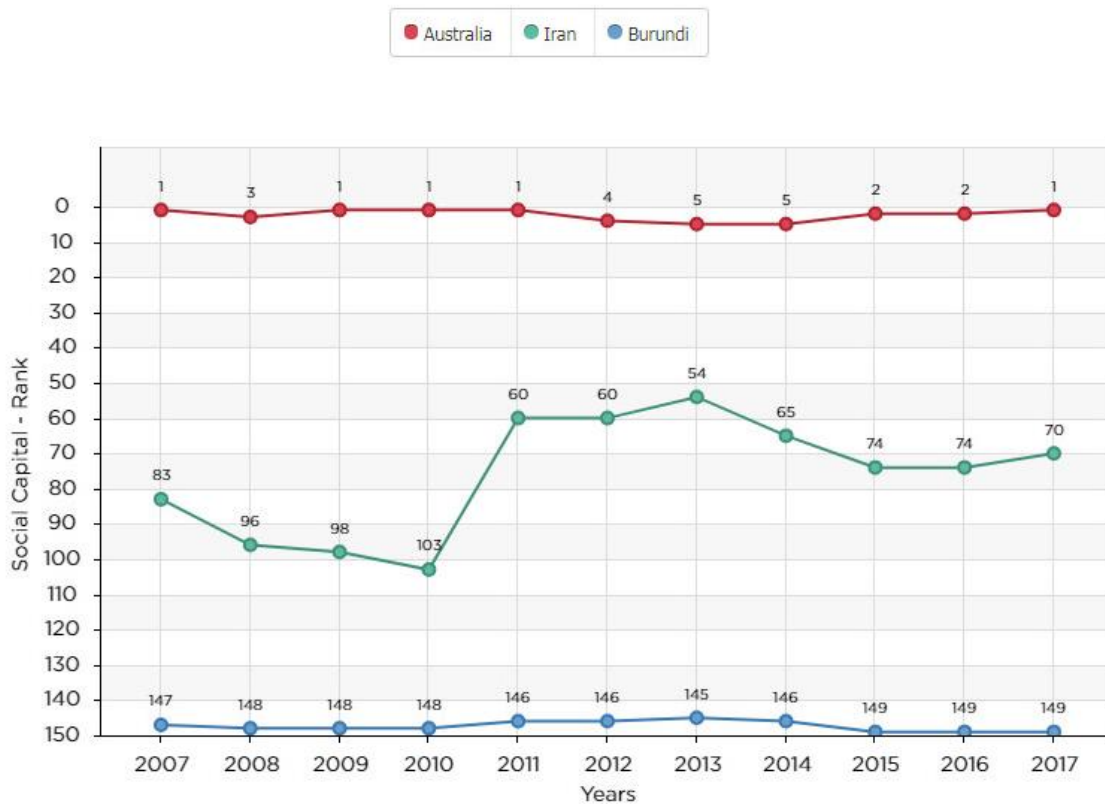
بُعد آزادی فردی شاخص کامیابی، پیشرفت کشورها را به سوی تأمین هرچه بیشتر حقوق قانونی پایه‌ای، آزادی‌های فردی و مدارای اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. ایران در سال ۲۰۱۷، بدترین عملکرد خود را در مقایسه با سایر ابعاد در این بُعد تجربه نموده و از این نظر در جایگاه ۱۴۴ جهان و در بین ۲۰ کشور منطقه در رتبه هیجدهم قرار گرفته است. در همین سال کشورهای نیوزیلند و سودان در رتبه‌های اول و آخر جای داشته‌اند. جایگاه ایران و کشورهای اول و آخر با توجه به این بُعد در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار شماره ۶: وضعیت ایران در بُعد آزادی فردی در مقایسه با نیوزیلند و سودان

۲,۵. سرمایه اجتماعی

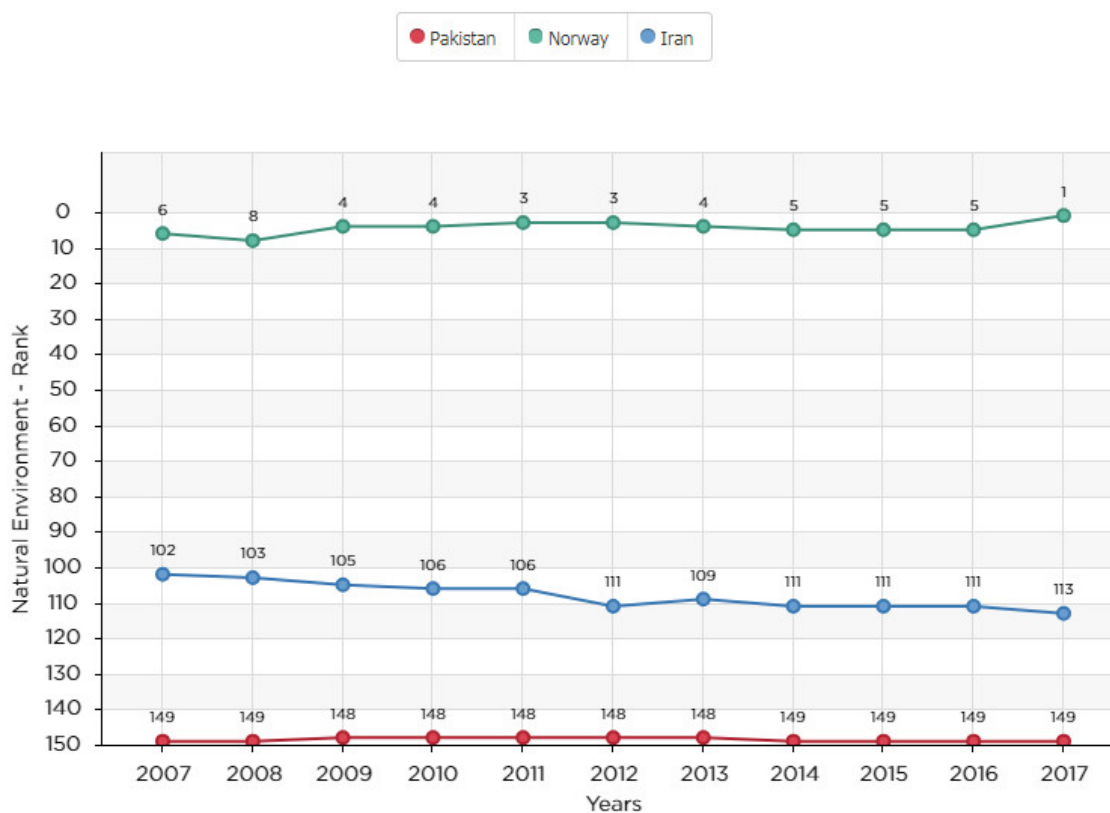
بُعد سرمایه اجتماعی، وضعیت کشورها را از نظر قدرت روابط شخصی، حمایت شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت مدنی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۷، ایران از نظر سرمایه اجتماعی در جایگاه ۷۰ جهان و در بین ۲۰ کشور منطقه در رتبه ۱۰ قرار گرفته است؛ در همین سال کشورهای استرالیا و بوروندی در رتبه‌های اول و آخر جهان از نظر این شاخص قرار گرفته‌اند. در نمودار زیر وضعیت ایران در ارتباط با بُعد سرمایه اجتماعی در مقایسه با دو کشور فوق نشان داده شده است.



نمودار شماره ۷: وضعیت ایران در بُعد سرمایه اجتماعی در مقایسه با استرالیا و بوروندی

۳. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری محیط‌زیستی

بُعد محیط طبیعی، وضعیت کشورها را از نظر عملکرد در سه حوزه کیفیت محیط طبیعی، فشارهای محیط‌زیستی و کوشش‌هایی در جهت نگهداری و حفظ محیط‌زیست مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. در آخرین رتبه‌بندی صورت گرفته از سوی موسسه لگاتوم در سال ۲۰۱۷، ایران از این نظر در جایگاه ۱۱۳ جهان قرار گرفته است. در همین سال کشورهای نروژ و پاکستان بهترین و بدترین عملکرد را در مقایسه با سایر کشورهای جهان داشته‌اند. در نمودار زیر وضعیت ایران در فضای حالت محیط‌زیست در مقایسه با نروژ و پاکستان نشان داده شده است. در این سال ایران در بین کشورهای ۲۰ گانه منطقه در رتبه سیزدهم قرار گرفته است.

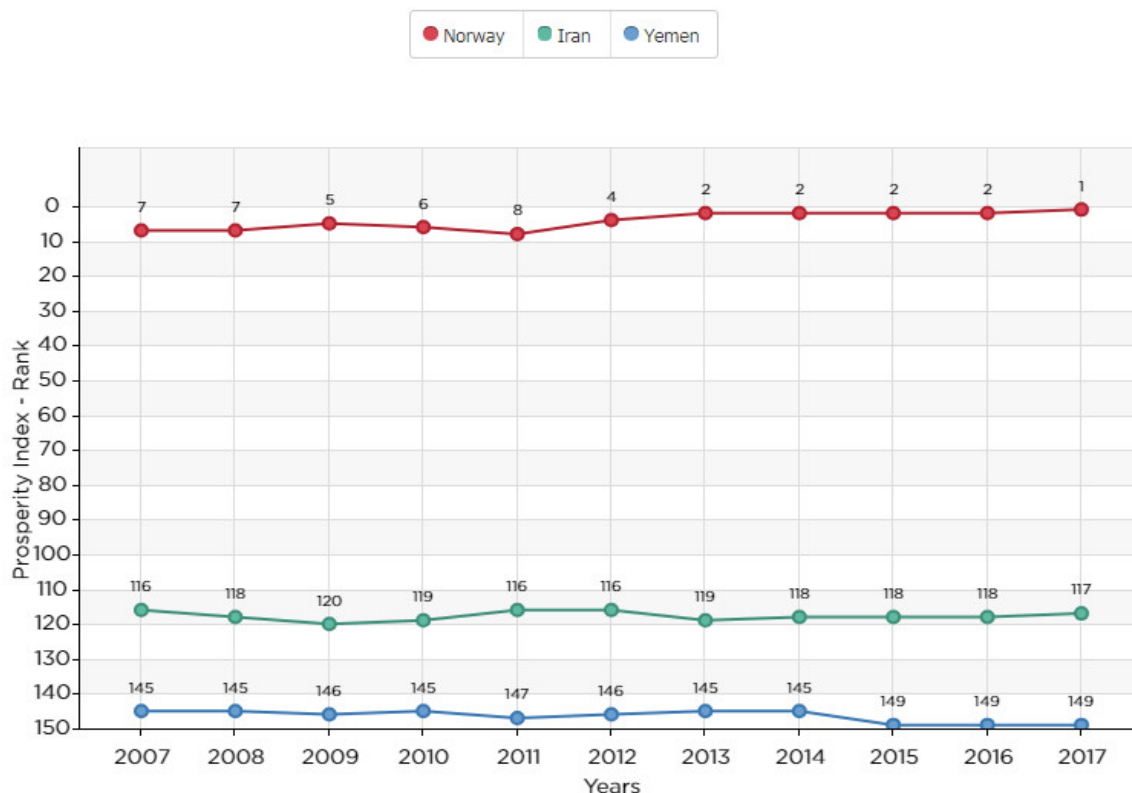


نمودار شماره ۸: وضعیت ایران در بُعد محیط زیست در مقایسه با نروژ و پاکستان

۴. جایگاه ایران در فضای حالت پایداری^{۴۰}

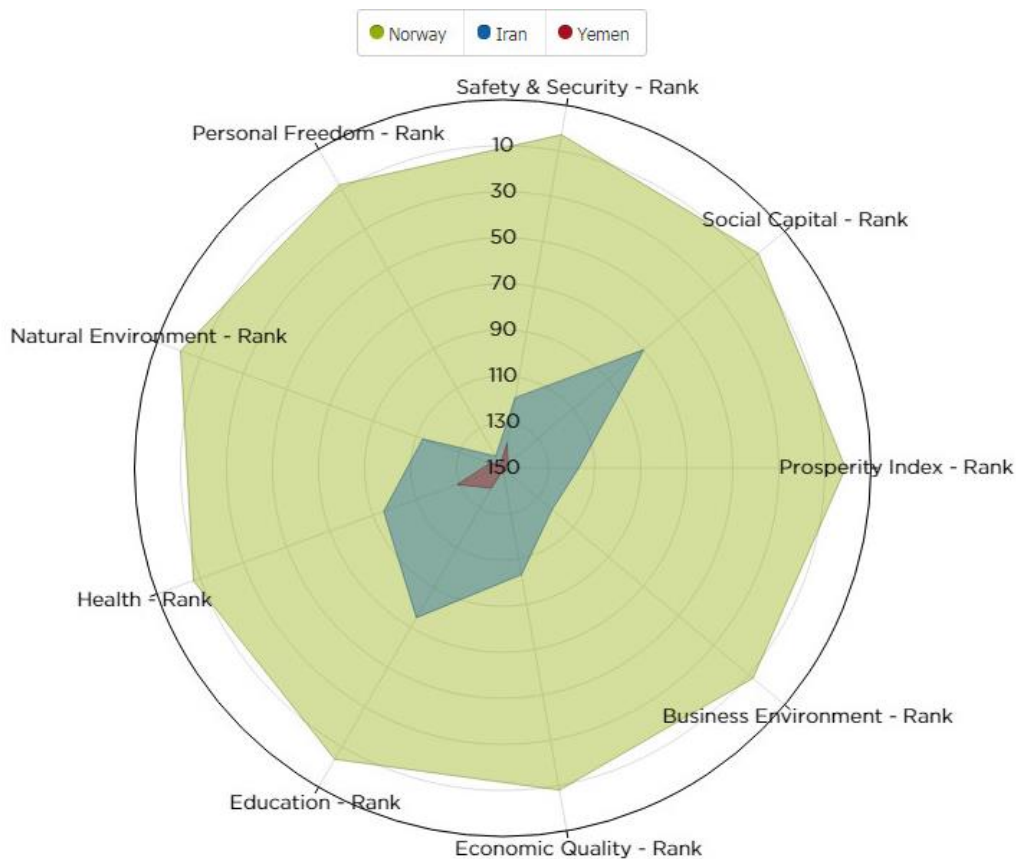
با توجه به وضعیت ایران در ابعاد هشت گانه فوق، که می توان آنها را با تسامح معرف وضعیت ایران در سه بُعد کلی محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی پایداری دانست، می توان به تصویری از وضعیت ایران در فضای حالت کامیابی و به تسامح پایداری دست یافت؛ که این تصویر با سنجش شاخص پایداری معرفی شده در فصل نخست کتاب و ترسیم جایگاه ایران در فضای حالت پایداری با توجه به وضعیت ایران در این مجموعه شاخص، از دقت و قابلیت اطمینان بیشتری نیز برخوردار خواهد شد.

با ترکیب ابعاد هشت گانه فوق، ایران، در سال ۲۰۱۷ در جایگاه ۱۱۷ جهان از بین ۱۴۹ کشور مورد بررسی و جایگاه پانزدهم از بین ۲۰ کشور حاضر در منطقه خاورمیانه قرار گرفته است. در همین سال، کشورهای نروژ و یمن در جایگاه اول و آخر رتبه بندی قرار گرفته اند. در نمودارهای زیر وضعیت ایران در فضای حالت پایداری در مقایسه با دو کشور نروژ و یمن در فاصله سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ و همچنین وضعیت آن در ارتباط با ابعاد هشت گانه فوق نشان داده شده است.



نمودار شماره ۹: وضعیت ایران در فضای حالت پایداری در مقایسه با نروژ و یمن

۴۰. همانطور که پیشتر نیز بیان شد با تسامح جایگاه ایران در فضای حالت کامیابی را که حاصل ترکیب وضعیت ایران در ۸ بعد مورد سنجش موسسه لگاتوم است می توان معادلی برای جایگاه ایران در فضای حالت پایداری با توجه به تعریف و شاخص های ارائه شده در این کتاب دانست.



نمودار شماره ۱۰: وضعیت رتبه‌ای ایران در ابعاد هشت‌گانه در مقایسه با نروژ و یمن

نمودارهای فوق‌گویی آن است که ایران در مقایسه با بخش قابل توجهی از کشورهای جهان، (۱۱۶ از ۱۴۹ کشور جهان و ۱۴ از ۲۰ کشور منطقه) از وضعیت مناسبی در فضای حالت پایداری برخوردار نیست؛ این به آن معناست که پایداری این واحد جغرافیایی - سیاسی در حوزه‌های گوناگون با مخاطراتی جدی روبرو شده است که اگر تمهیدی برای آن اندیشیده نشود می‌تواند این سیستم را به نقطه بی‌بازگشت رسانده و موجودیت کنونی این قلمرو جغرافیایی - سیاسی را با توجه به شرایط منطقه و جهان به شدت در معرض خطر قرار دهد. بر این اساس است که می‌توان از مفهوم «شکست پایداری» به معنای شکست در مدیریت این قلمرو جغرافیایی - اجتماعی به گونه‌ای که بر عمر و ماندگاری آن افزوده شود سخن گفت. از سوی دیگر با توجه به شرایط کنونی ایران و بالا بودن احتمال افزایش فشارهای اقتصادی به کشور در ماه‌های آینده، می‌توان بیان کرد که وضعیت پایداری اقتصادی کشور بیش از پیش دچار مخاطراتی جدی خواهد شد و وضعیت نامناسب اقتصادی، با اثرگذاری منفی بر شاخص‌های بهداشتی، سرمایه اجتماعی، امنیت روانی و ... که ذیل بُعد اجتماعی قابل تعریف‌اند زمینه نزول جایگاه ایران در فضای حالت پایداری اجتماعی را فراهم کرده و احتمالاً با افزایش فشارها بر منابع طبیعی جهت تامین ساده‌تر

نیازها در شرایط نامناسب اقتصادی، حلقه شومی شکل خواهد گرفت که نتیجه نهایی آن افول هرچه بیشتر جایگاه ایران در فضای حالت پایداری و رسیدن به نقطه بی بازگشتی است که در آن پیش‌بینی آینده به سهولت امکان‌پذیر نخواهد بود. نخستین گام برای تلاش در جهت بهبود جایگاه ایران در فضای حالت پایداری و خارج کردن آن از وضعیت نامناسب کنونی، شناسایی علت اصلی و ریشه‌ای شکست پایداری ایران است؛ موضوعی که در فصل بعد در حد توان به آن پرداخته خواهد شد.

فصل سوم

پایداری ایران و کیفیت حکمرانی

۱. کیفیت حکمرانی و جایگاه کشورها در فضای حالت پایداری

برای یافتن پاسخ این پرسش که «مهمترین متغیر اثرگذار بر جایگاه واحدهای جغرافیایی - سیاسی به صورت عام و ایران به صورت خاص در فضای حالت پایداری چیست؟» باید متغیری را بیابیم که وضعیت مناسب یا نامناسب کشورها در ارتباط با آن متغیر، بر جایگاه مناسب یا نامناسب آنها در فضای حالت پایداری اثرگذار باشد؛ و از سوی دیگر بتوان با دلایل منطقی و تحلیلی، رابطه بین جایگاه واحدهای جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری و آن متغیر را توجیه کرد. در صورت یافتن این متغیر، می‌توان ضمن تبیین چرایی وضعیت نامناسب ایران در فضای حالت پایداری، اینگونه بیان کرد که بهبود وضعیت ایران در ارتباط با آن متغیر می‌تواند سبب بهبود جایگاه ایران در فضای حالت پایداری شود.

با توجه به رتبه‌بندی منتشر شده از سوی موسسه لگاتوم در سال ۲۰۱۷ و با در نظر داشتن کاربرد نظریه مجموعه‌ها در علوم اجتماعی (ر.ک ریگین، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ و ۱۳۸۸) مجموعه ۳۰ کشوری که از جایگاه مناسب‌تری در مقایسه با سایر کشورها در فضای حالت پایداری برخوردارند عبارتند از:

{نروژ، نیوزیلند، فنلاند، سوئیس، سوئد، هلند، دانمارک، کانادا، استرالیا، انگلستان، آلمان، ایرلند، ایسلند، لوکزامبورگ، اتریش، بلژیک، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، اسپانیا، اسلونی، مالت، ژاپن، هنگ‌کنگ، پرتغال، جمهوری، چک، استونی، اروگوئه، کاستاریکا، ایتالیا}

حال با کندوکاو در داده‌های مختلف منتشر شده تلاش می‌کنیم، ببینیم آیا می‌توان متغیری را یافت که در بین تمامی این ۳۰ کشور مشترک بوده و از سوی دیگر بنیانی نظری برای معرفی آن به عنوان شرط لازم و کافی جایگاه مناسب یک واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری در اختیار داشته باشیم.

یکی از مهمترین ارکان سنجش شده توسط موسسه لگاتوم شاخص حکمرانی است؛ که با شاخص‌های ۱۳ گانه، اطمینان به صحت انتخابات، اطمینان به دولت^{۴۱}، ادراک فساد، سطح دموکراسی، کارآیی سیستم حقوقی در تنظیم‌گری چالش‌انگیز^{۴۲}، اثربخشی دولت^{۴۳}، استقلال قضایی، حقوق و مشارکت سیاسی، کیفیت تنظیم‌گری، حاکمیت قانون، شفافیت سیاست‌گذاری دولتی، مشارکت جمعیت رأی‌دهندگان^{۴۴} و حضور زنان در مجلس ملی سنجیده می‌شود. مجموعه ۳۰ کشوری که با توجه به این رکن در مقایسه با سایر کشورها از رتبه بهتری برخوردارند عبارتند از:

۴۱. در این مباحث باید به تفاوت نظام سیاسی و دولت در ایران که رابطه‌ای عام به خاص دارند توجه نمود.

42. efficiency of legal system in challenging regulation

43. government effectiveness

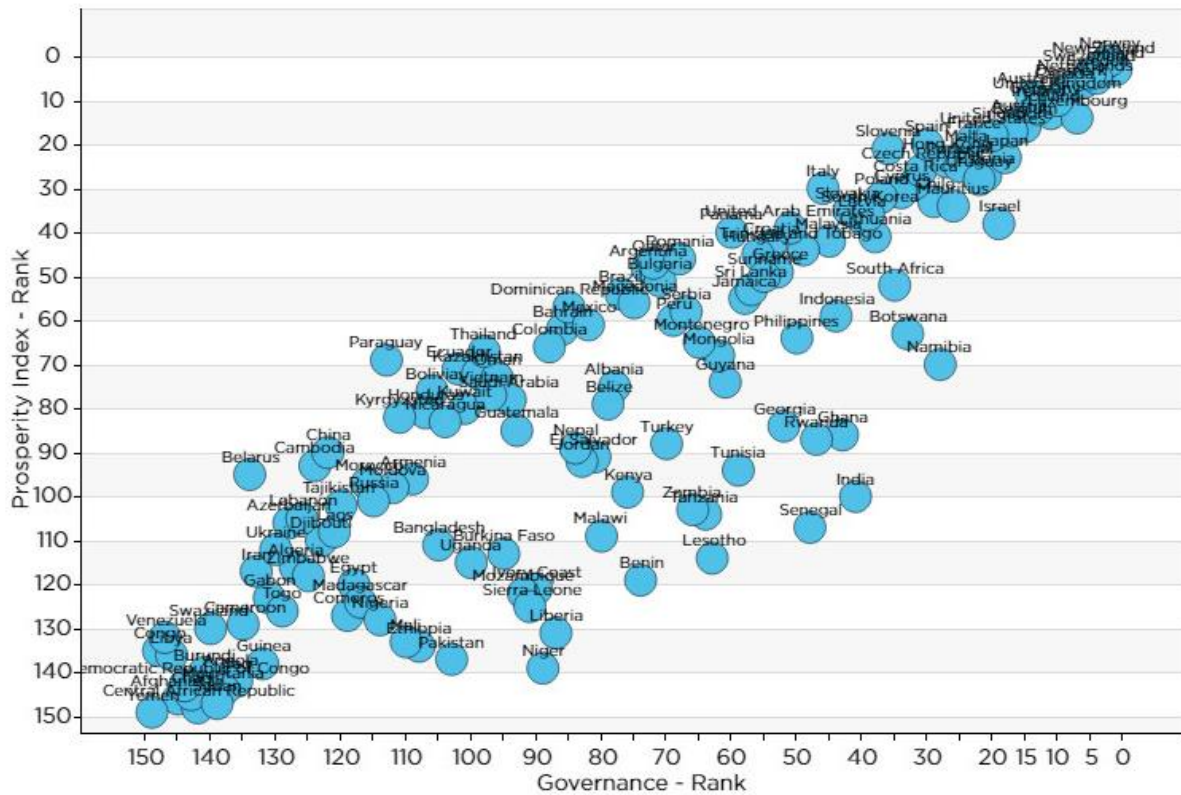
44. voting age population turnout

{ فنلاند، نروژ، نیوزیلند، سوئد، سوئیس، هلند، لوکزامبورگ، دانمارک، کانادا، انگلستان، ایسلند، آلمان، ایرلند، استرالیا، بلژیک، اتریش، سنگاپور، ژاپن، اسرائیل، ایالات متحده آمریکا، استونی، اروگوئه، فرانسه، مالت، پرتغال، ماریتوس، هنگ کنگ، نامیبیا، شیلی، اسپانیا }

مقایسه دو مجموعه فوق گویای آن است که به جز ۴ کشور جمهوری چک، اسلونی، کاستاریکا و ایتالیا بقیه کشورهای حاضر در مجموعه ۳۰ کشوری که از جایگاه مناسب تری در فضای حالت پایداری برخوردارند، در مجموعه کشورهای که از سطح حکمرانی بالایی نیز برخوردارند حضور دارند. البته باید توجه داشت که این چهار کشور نیز از نظر حکمرانی به ترتیب در رتبه‌های، ۳۱، ۳۲، ۳۶ و ۴۶ قرار دارند که با تسامح می‌توان آنها را نیز در زمره کشورهای با سطح بالای پایداری در نظر گرفت. همچنین مقایسه این دو مجموعه نشان‌دهنده آن است که به جز ۳ کشور نامیبیا، ماریتوس و شیلی که در رتبه‌های ۷۰، ۳۴ و ۳۳ از نظر سطح کلی پایداری قرار دارند، بقیه کشورهای این مجموعه نیز در مجموعه ۳۰ کشور نخست از نظر سطح پایداری قرار دارند؛ که با توجه به رتبه‌های این کشورها، به جز نامیبیا، می‌توان آنها را نیز با تسامح در زمره کشورهای با سطح پایداری بالا قرار داد.

با توجه به نکات فوق و در نظر داشتن نظریه مجموعه‌ها، می‌توان اینگونه بیان کرد که مجموعه کشورهای با سطح پایداری بالا، زیرمجموعه کشورهای با سطح حکمرانی بالا و مجموعه کشورهای با سطح حکمرانی بالا، زیرمجموعه کشورهای با سطح پایداری بالاست؛ که بر اساس مطالب مطرح در نظریه مجموعه‌ها، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد:

کیفیت حکمرانی، شرط لازم و کافی برای آن است که یک واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری، جایگاه مناسب و بالایی را بیابد؛ به عبارتی جایگاه واحدهای جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری، تحت تاثیر مستقیم کیفیت حکمرانی در آنهاست. این موضوع در نمودار زیر که رابطه شاخص کامیابی (با تسامح شاخص پایداری) و حکمرانی را در بین ۱۴۹ کشور مورد بررسی لگاتوم نشان می‌دهد به خوبی مشخص است.



نمودار شماره ۱۱: رابطه کامیابی (پایداری) و حکمرانی

حال که حکمرانی و کیفیت حکمرانی از چنین اهمیتی در پایداری و یا ناپایداری کشورها برخوردار است در ادامه این فصل به معرفی مفهوم حکمرانی و شاخص‌ها و سنجش‌های مناسب جهت سنجش آن پرداخته خواهد شد.

۲. حکمرانی و کیفیت حکمرانی

فرایند کنترل اثر عوامل اخلاص‌گر درونی و بیرونی و تنظیم روابط درون یک جامعه برای رساندن آن به هدف و یا مجموعه هدف مشخصی را حکمرانی^{۴۵} گویند. با توجه به مطالب طرح شده در بخش قبل قرار گرفتن واحدهای جغرافیایی - سیاسی در نقطه‌ای مناسب از فضای حالت پایداری و حرکت آنها در مسیری پایدار، نیازمند نوعی از کیفیت حکمرانی است که در ادبیات جهانی آن را حکمرانی خوب^{۴۶} نامیده‌اند.

45. Governance

46. Good Governance

حکمرانی خوب در دو دهه اخیر چنان اهمیت و جایگاهی یافته است که مؤسسات مالی و اهداء کنندگان عمده بین‌المللی، کمک‌ها و وام‌های خود را تنها در شرایطی به کشورها اهداء می‌کنند که اطمینان حاصل شود اصلاحاتی در جهت دستیابی به «حکمرانی خوب» در آنها انجام می‌شود.

مروری بر ادبیات جهانی موجود درباره مفاهیمی چون حکمرانی و کیفیت حکمرانی^{۴۷} بیانگر آن است که برای سنجش کیفیت حکمرانی در کشورها از ۶ شاخص کلی که در مجموع صدها متغیر در زیرمجموعه آنها قرار دارند استفاده می‌شود: ۱- پاسخگویی، ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت، ۳- کارایی حکومت، ۴- کیفیت مقررات تنظیمی، ۵- حاکمیت قانون و ۶- کنترل فساد. شش بُعد فوق، فضای حالت کیفیت حکمرانی را تشکیل می‌دهند که با سنجش وضعیت یک سیستم حکمرانی در ارتباط با این ابعاد می‌توان جایگاه آن را در فضای حالت کیفیت حکمرانی مشخص کرد؛ و نسبت به قرار داشتن کشورها در مجموعه کشورهایی با کیفیت حکمرانی خوب و یا بد قضاوت نمود. این شاخص‌ها به شاخص‌های حکمرانی جهانی^{۴۸} معروف شده‌اند و از سال ۱۹۹۶ هر ساله توسط بانک جهانی مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرند. در حال حاضر ۲۱۲ کشور تحت پوشش سنجش‌های بانک جهانی قرار دارند. داده‌های مربوط به این شاخص‌ها، از تعداد زیادی از مؤسسات، شهروندان و کارشناسان مختلفی از کشورهای صنعتی و درحال توسعه گردآوری شده و دیدگاه‌های بخش دولتی، بخش خصوصی و کارشناسان سازمان‌های غیردولتی و همچنین هزاران نفر از شهروندان و شرکت‌های پیمایشی در سراسر جهان را منعکس می‌کنند. این داده‌ها از ۳۵ منبع داده و از ۳۲ سازمان مختلف گردآوری می‌شوند.

در ادامه به معرفی این شاخص‌ها پرداخته شده است. شایان ذکر است همانطور که آگاهی درباره وضعیت پایداری قلمروهای جغرافیایی - سیاسی و اندیشیدن تمهیداتی در جهت بهبود وضعیت آنها نیازمند سنجش دوره‌ای شاخص پایداری و ابعاد سه‌گانه آن است (ر.ک به فصل قبل)، با توجه به اثرگذاری مستقیم کیفیت حکمرانی بر پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی، آگاهی و شناخت نسبت به جایگاه کشورها در فضای حالت کیفیت حکمرانی نیز که از طریق سنجش دوره‌ای شاخص‌های کیفیت حکمرانی امکان‌پذیر می‌شود لازم و ضروری است.

۴۷. در این زمینه به منابع زیر رجوع کنید:

IMF, 2005; Kaufmann, Kraay, and Mastruzzi, 2004: 130; Hyden & Braton, 1993: 7

48. worldwide Governance Indicators (WGI)

۲,۱. حاکمیت قانون

این شاخص به سنجش این موضوع می‌پردازد که از نظر مردم، کیفیت اجرای قراردادها، حق مالکیت، توانایی پلیس و دادگاه در انجام وظایف خود و همچنین احتمال بروز جرم در جامعه، به چه میزان است. به عبارت دیگر مردم تا چه اندازه اجرای قانون و نه اعمال نفوذ و قدرت را در انجام امور مؤثر می‌دانند.

۲,۲. اثربخشی و کارآیی دولت

شاخص اثربخشی و کارآیی دولت، کیفیت خدمات دولتی، کیفیت خدمات اجتماعی و استقلال آنها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین سیاست‌های دولت و اجرای آنها و نیز میزان تعهد دولت نسبت به اجرای سیاست‌های خود را مورد سنجش قرار می‌دهد.

۲,۳. پاسخگویی

پاسخگویی به این معناست که تا چه اندازه شهروندان کشور قادر به مشارکت در انتخاب حکومت خود هستند و تا چه حد در کشور آزادی تشکل، آزادی بیان و آزادی رسانه وجود دارد. پاسخگویی پذیرش مسئولیت اقدامات صورت گرفته است. عمل صورت گرفته باید قابلیت توجیه و توضیح داشته و واضح و روشن باشد. این بدان معنی است که اشخاص حق دانستن دارند و اینکه سازمان‌ها باید در برابر اعمالشان پاسخگو باشند.

۲,۴. کیفیت مقررات تنظیمی

این شاخص به بررسی توانایی حکومت جهت تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که به توسعه بخش خصوصی کمک می‌کند، پرداخته و بیانگر آن است که مقررات و قوانین تنظیم شده چه سطحی از کیفیت و کارایی را دارا هستند.

۲,۵. ثبات سیاسی

شاخص ثبات سیاسی به بررسی این نکته می‌پردازد که تا چه حد احتمال دارد که حکومت دچار بی‌ثباتی شده و از طریق ابزارهای خشونت‌آمیزی نظیر انقلاب، کودتا و تروریسم سقوط کند.

۲,۶. کنترل فساد

شاخص کنترل فساد به سنجش و ارزیابی میزان استفاده از مقام‌های دولتی در جهت تأمین منافع شخصی خرد و کلان می‌پردازد. بخشی از فرایند سنجش با استفاده از ادراک و تجربه فساد ارزیابی می‌شود اما بخش عمده آن بررسی میزان شفافیت و پاسخگویی سیستم حکمرانی است. WGI با استفاده از ۳۲ داده بانک‌های اطلاعاتی مختلف به بررسی شاخص

کنترل فساد می‌پردازد. تأکیدی که بر سیاست ضد فساد در داده بانک‌های مختلف تعریف می‌شود بر آزادی و در دسترس بودن اطلاعات برای کسانی که به طور مستقیم از تصمیمات حکومتی متأثر می‌شوند تأکید دارد.

طبیعی است که شاخص‌های فوق همانند شاخص‌های پایداری، شاخص‌هایی هستند که با رشد و گسترش دانش بشری در زمینه کیفیت حکمرانی تکامل می‌یابند؛ ممکن است متغیرها و شاخص‌هایی به این مجموعه افزوده شده و یا از آن حذف شوند. نکته دیگری که در ارتباط با شاخص‌های فوق باید در نظر داشت آن است که کشورها باید به توسعه همزمان و همگام این شاخص‌ها توجه داشته باشند توسعه یافتگی برخی از این شاخص‌ها و عدم رشد و توسعه برخی دیگر می‌تواند عدم تعادل‌هایی را ایجاد کند که اثرات مخربی را بر ثبات سیستم سیاسی و نظام حکمرانی خواهد داشت. با در نظر داشتن مورد ایران، در شرایطی که کیفیت حکمرانی از منظر شاخص‌هایی چون پاسخ‌گویی، کیفیت مقررات تنظیمی، اثربخشی و کارآیی دولت در وضعیت مناسبی قرار ندارد، تلاش در جهت افزایش شفافیت بدون تلاش برای بهبود در وضعیت سایر شاخص‌ها می‌تواند موجب فرسایش هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی در سطح کلان شده و سطح نارضایتی سیاسی را به میزان بسیار زیادی افزایش دهد. از این منظر است که توسعه متوازن این شاخص‌ها برای جلوگیری از ایجاد عدم تعادل و بی‌ثباتی لازم و ضروری است.

در جدول شماره ۲ شاخص‌های مربوط به ۶ شاخص کلی فوق، توضیحات و نحوه عملیاتی کردن آنها آمده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌ها و توضیح عملیاتی کیفیت حکمرانی

شاخص	زیر شاخص	توضیح	عملیاتی کردن
حاکمیت قانون	قطعیت قانونی	تا چه اندازه دولت و حکومت بر اساس و مطابق با مقررات قانونی در ارائه امنیت حقوقی اقدام می‌کنند؟	<ul style="list-style-type: none"> ✓ پیگرد قانونی سوء استفاده‌های اداری ✓ آزادی بیان
	بررسی قضایی	تا چه میزان دادگاه‌های مستقل، حکومت و دولت را در خصوص انطباق با قانون کنترل می‌کنند؟	<ul style="list-style-type: none"> ✓ انحصار در استفاده از زور ✓ عدم دخالت تعصبات مذهبی
	انتصاب قضات	تا چه اندازه روند انتصاب قضات، استقلال قوه قضائیه را تضمین می‌کند؟	<ul style="list-style-type: none"> ✓ مجازات حقوقی یا سیاسی برای مقاماتی که از موقعیت خود سوء استفاده می‌کنند تا چه اندازه اعمال شده و تا چه حد آزادی‌های مدنی تضمین و محافظت می‌شود.
	پیشگیری از فساد	تا چه حد مقامات دولتی از سوء استفاده موقعیت خود برای منافع خصوصی جلوگیری می‌کنند؟	<ul style="list-style-type: none"> ✓ مطلوبیت حقوق و آزادی اقلیت‌ها
پاسخگویی	مسئولیت پذیری	همه تصمیم‌گیران (جمعی و فردی) در برابر تصمیم گرفته شده مسئولند.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ شروط در خصوص پذیرش ابتکارات و فراخوان آن به مقامات دولتی
	انطباق با نیاز	در خصوص تصمیمات گزارش و توضیح داده می‌شود و می‌توان آن را متوقف کرد.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ آگاهی دولت محلی از آیین‌نامه حقوق شهروندی ✓ اتاق‌های فکر مستقل در خصوص ممیزی ارزش‌گذاری عملکرد مالی
	بازده زمانی	ارائه خدمات عمومی و درخواست‌ها و شکایات در یک بازه زمانی معقول و منطقی پاسخ داده شوند.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ منشور شهروندی ✓ استاندارد خدمات ارائه شده
			<ul style="list-style-type: none"> ✓ شرایط مورد نیاز برای درخواست‌ها و انتخاب‌های شهروندان ✓ بودجه‌بندی شهروندگرا^{۴۹}

۴۹. بودجه‌بندی تا چه اندازه بر اساس نیاز شهروندان تنظیم شده است. درخواست بودجه‌بندی از چه منطقی طبیعت می‌کند.

<ul style="list-style-type: none"> ✓ برونداد و هزینه‌های مربوط به عرضه خدمات ✓ گزارش و دفاع از بودجه، عملکرد و قراردادها به صورت عمومی ✓ امتیازدهی شهروندان در خصوص خدمات ارائه شده ✓ ارزیابی شهروندان در خصوص خدمات و امتیازدهی به آن ✓ رفاندوم اجباری در خصوص طرح‌های بزرگ ✓ امکانات شکایت شهروندان ✓ فرایند انتخاب مدیران ✓ مدت زمان سپری شده از ورود تا خروج پرونده‌های قضائی ✓ توجه به بازخورد شهروندان در خصوص خدمات (میزی اجتماعی و امتیازدهی به خدمات) ✓ وضعیت جامعه مدنی ✓ آزادی مطبوعات 			
<ul style="list-style-type: none"> ✓ کیفیت آموزشی ✓ کیفیت نظام بهداشتی و سلامت ✓ کیفیت آب آشامیدنی، زیرساخت‌ها (برق)، حمل و نقل، سیستم نگره‌داری و دفع زباله و ... ✓ مدیریت مواقع اضطراری ✓ تطبیق سیاست‌های اقتصادی دولت با سرعت تغییرات در 	<p>کیفیت خدمات دولتی، کیفیت خدمات اجتماعی و استقلال آنها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین سیاست‌های دولت و اجرای آنها و نیز میزان تعهد دولت نسبت به اجرای سیاست‌ها است. بی‌ثباتی در کسب و کار یا قوانین کارائی و اثربخشی را مؤثر می‌سازد.</p>	<p>اجرای مؤثر تصمیمات دولت</p> <hr/> <p>کیفیت زیرساخت‌ها</p> <hr/> <p>کیفیت آموزش</p>	<p>کارائی و اثربخشی</p>

<p>اقتصاد</p> <ul style="list-style-type: none"> ✓ خدمات عمومی مستقل از دخالت سیاسی ✓ اجرای موثر تصمیمات دولت ✓ بوروکراسی مانع فعالیت تجاری 		<p>کیفیت بهداشت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ آیا ترتیبات نهادی مناسبی درخصوص سیاست‌های ضدفساد وجود دارد؟ ✓ آیا به طور مؤثر و موفقیت‌آمیزی فساد را مورد پیگرد قرار می‌دهند؟ ✓ ارزیابی سرمایه‌گذاران از میزان فساد در اقتصاد. از منظر سرمایه‌گذاران آنچه مهم می‌باشد آن است که آیا مقامات بلند مرتبه احتمال دارد درخواست پرداخت‌های خاصی داشته باشند و آیا پرداخت‌های غیرقانونی مانند رشوه در سطوح پایین، پروانه صادرات و واردات، معاملات، مالیات، امنیت‌های پلیسی یا دادن وام معمول است. 	<p>شاخص ادراک فساد مبتنی بر سنجش نظرات مردم و گروه‌های مختلف (متخصصین، نخبگان، اهل کسب و کار و ...) درخصوص میزان رواج فساد در جامعه</p>	<p>ادراک فساد</p>	<p>کنترل فساد</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ انتشار گزارش اینترنتی در خصوص بودجه پیشنهادی و عملکرد سالانه ✓ انتشار همه تصمیم‌گیری‌ها از جمله هزینه امتیازات گرفته شده در اینترنت 	<p>روش تجربه فساد به بررسی دیدگاه عموم مردم در مورد میزان فساد در کشورها و همچنین تلاش دولت‌ها در مبارزه با فساد، دلایل پرداخت رشوه و نگرش نسبت به گزارش فساد</p>	<p>تجربه فساد</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ فرایند آزاد مزایده و مناقصه ✓ فرایند باز برای عقد مناقصه 	<p>مطابقت تصمیمات گرفته و اجرا شده با قوانین و مقررات و دلالت بر دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری، اجرای سیاست‌ها و نتایج.</p>	<p>انتشار تصمیم‌گیری‌ها</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ حق دسترسی به اطلاعات عمومی ✓ دسترسی به کمپین‌های اطلاعاتی 	<p>اطلاعات آزاد و ارزیابی عمومی آن برای افزایش قدرت شهروندان</p>	<p>آزادی بیان</p>	
		<p>دسترسی عمومی به اطلاعات</p>	

<ul style="list-style-type: none"> ✓ تعداد سال‌های دموکراسی پیوسته ✓ وقوع خشونت قومی ✓ تعداد مرگ و میر سالانه در اثر مبارزه 		وضعیت دموکراسی	ثبات سیاسی و عدم خشونت
		وضعیت قومیت‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ کنترل قیمت ✓ شدت مقررات محیط زیستی ✓ سهولت شروع کسب و کار جدید ✓ گسترش مقررات دولتی ✓ شیوع موانع تجاری 	<p>توانایی حکومت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که به توسعه بخش خصوصی کمک می‌کند، اختصاص دارد و بیانگر آن است که که مقررات و قوانین تنظیم شده چه سطحی از کیفیت و کارایی را دارا هستند</p>	سیاست‌های تجاری و مالی	کیفیت مقررات تنظیمی
		سیاست‌های زیست محیطی	

دانش در خصوص شاخص‌هایی که در جدول شماره ۲ توضیح داده شد، زمانی کاربردی خواهد بود که بتوانیم به کمک آنها شرایط موجود را توضیح دهیم.

با در نظر داشتن مفهوم شکست بازار^{۵۰} در اقتصاد و تعمیم آن به حوزه پایداری و حکمرانی، می‌توان با توجه به مباحث طرح شده تاکنون اینگونه بیان کرد که وضعیت نامناسب واحدهای جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری که می‌توان از آن به وضعیت «شکست پایداری» تعبیر کرد، بواسطه «شکست حکمرانی»^{۵۱} در آن واحدهاست. بر این اساس، شکست حکمرانی به وضعیتی اشاره دارد که بواسطه ضعف سیستم حکمرانی در یکی از ابعاد شش‌گانه پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و کنترل فساد یا تمامی آنها، کیفیت حکمرانی کاهش یافته و این کاهش کیفیت حکمرانی، سبب کاهش پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی و قرار گرفتن آن در محدوده شکست پایداری می‌شود.

۳. جایگاه ایران در فضای حالت کیفیت حکمرانی

همانطور که شناخت جایگاه ایران در فضای حالت پایداری از اهمیتی اساسی برخوردار است؛ با توجه به اثرگذاری کیفیت حکمرانی بر وضعیت پایداری، شناخت جایگاه ایران در فضای حالت کیفیت حکمرانی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. در جدول شماره ۳، داده‌های مربوط به ابعاد کیفیت حکمرانی، که در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷ گردآوری شده ارائه شده است. در بین کشورهای مورد بررسی، کشور دانمارک با کسب نمره ۲,۰۹ بهترین جایگاه در فضای حالت کیفیت حکمرانی و کشور سومالی با کسب نمره ۲,۶۷- بدترین جایگاه را در این فضا از آن خود کرده‌اند. در خوشه‌بندی کشورها، ایران در خوشه کشورهایی با کیفیت حکمرانی خیلی بد قرار گرفته است.

50. Market failure

از مفهوم شکست بازار برای توصیف وضعیتی استفاده می‌شود که در آن تخصیص کالاها و خدمات توسط بازار آزاد بهینه نیست.

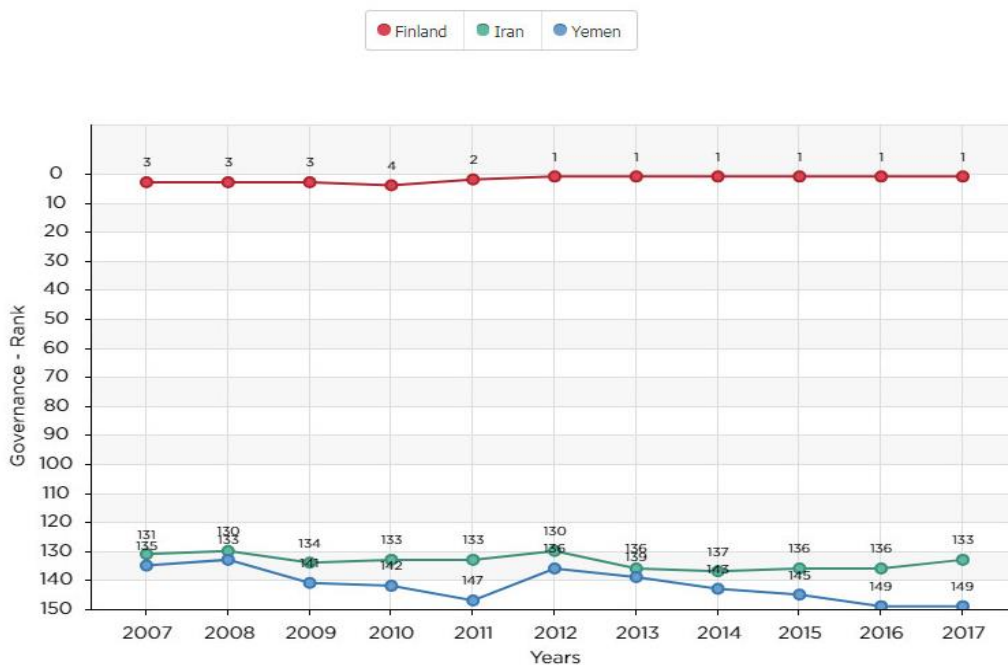
51. Governance failure

جدول شماره ۳: بررسی وضعیت کشورها بر اساس شاخص کیفیت حکمرانی و دسته‌بندی آنها

ردیف	دسته بندی حکمرانی	کشورها
۱	حکمرانی خیلی خوب	جمهوری چک، مالت، ماریتوس، بلژیک، فرانسه، قبرس، پرتغال، ایرلند، ژاپن، استونی، استرالیا، اتریش، کانادا، آلمان، دانمارک، فنلاند، هنگ کنگ، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، سوئد، سوئیس، شیلی، سنگاپور
۲	حکمرانی خوب	کره جنوبی، یونان، پاناما، کیپ ورد، نائورو، پورتوریکو، ساموآ، ایتالیا، قطر، بلغارستان، کاستاریکا، کرواسی، مجارستان، لاتوی، لیتوانی، مالزی، نامیبیا، عمان، لهستان، رومانی، اسلوواکی، آفریقای جنوبی، اسرائیل، باهاماس، موریس، اسپانیا، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، بوتسوانا، اسلوانی، تایوان، اوروگوئه، ترینیداد و توباگو، سنت لوسیا
۳	حکمرانی میانی	سودان جنوبی، بلیز، کیریباس، گامبیا، بنین، گویانا، بوسنی و هرزگوین، لسوتو، عربستان، آلبانیا، سورینام، ارمنستان، ارژانتین، بورکینافاسو، چین، هندوراس، جمهوری دمینیکن، اندونزی، جامائیکا، مالاوی، قزاقستان، مکزیک، مالی، مغولستان، مولداوی، موروکو، موزامبیک، سنگال، فیلیپین، تایلند، تانزانیا، اوکراین، اوگاندا، زامبیا، ویتنام، سیشل، کوزوو، مقدونیه، گرجستان، مونتنگرو، روآندا، بحرین، برزیل، السوادور، کلمبیا، هند، غنا، کویت، پرو، اردن، سریلانکا، صربستان، ترکیه، تونس، امارات، بوتان، جزایر سلیمان
۴	حکمرانی بد	کوموروس، کامبوج، جمهوری قرقیز، لائوس، تاجیکستان، برونڈی، هائیتی، لیبی، صربستان، جیبوتی، سوازیلند، بلاروس، گابن، جمهوری کنگو، لیبیا، لبنان، ماریتانی، نیجریه، پاپوآنیوگینه، سرالئون، توگو، الجزایر، آنگولا، آذربایجان، بنگلادش، بولیوی، اکوادور، اتیوپی، مصر، کامرون، گواتمالا، کنیا، ماداگاسکار، نپال، نیکاراگوئه، نیجریه، پاکستان، پاراگوئه، روسیه، کوبا، گینه بیسائو
۵	حکمرانی خیلی بد	افغانستان، گینه استوایی، ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، چاد، گینه، ایران، میانمار، ونزوئلا، زیمبابوه، یمن، اریتره، آفریقای مرکزی، عراق، سودان، کره شمالی

منبع: جلیلی، ۱۳۹۱ (بر اساس داده‌های WGI سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷)

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی موسسه لگاتوم در سال ۲۰۱۷، ایران از نظر شاخص حکمرانی در بین ۱۴۹ کشور مورد بررسی در جایگاه ۱۳۳ قرار گرفته است. از نظر این شاخص در بین کشورهای مورد بررسی بهترین عملکرد را کشور فنلاند و بدترین عملکرد را کشور یمن داشته است. در نمودار زیر جایگاه ایران در فضای حالت حکمرانی در مقایسه با دو کشور فوق نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱۲: وضعیت ایران در فضای حالت حکمرانی در مقایسه با فنلاند و یمن

در این فصل توضیح داده شد که مهمترین متغیر اثرگذار بر پایداری کشورها و جایگاه آنها در فضای حالت پایداری، کیفیت حکمرانی است؛ به عبارتی کشورهایی در فضای حالت پایداری جایگاه مناسب‌تری داشته و در مجموعه کشورهای پایدار قرار می‌گیرند که در فضای حالت کیفیت حکمرانی نیز جایگاه مناسبی داشته و در مجموعه کشورهای با کیفیت حکمرانی خوب قرار داشته باشند. بر این اساس شکست حکمرانی در واحدهای جغرافیایی - سیاسی، بواسطه عملکرد ضعیف در ابعاد شش‌گانه کیفیت حکمرانی، را می‌توان مهمترین عامل اثرگذار بر جایگاه نامناسب کشورها در فضای حالت پایداری و قرار گرفتن در وضعیت شکست پایداری دانست.

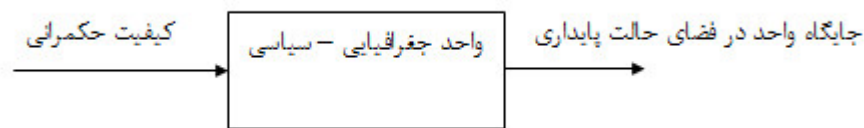
با تمرکز بر ایران، تا این بخش از کتاب نشان داده شد که در وهله نخست «وضعیت ایران ناپایدار است» و مهمترین علت این وضعیت ناپایدار نیز شکست حکمرانی در ایران بواسطه وجود نقاط ضعفی در ابعاد هفت‌گانه کیفیت حکمرانی در این قلمرو جغرافیایی - سیاسی است. اما پرسش راهبردی‌ای که بلافاصله طرح می‌شود و پاسخ‌گویی به آن برای افزایش پایداری ایران و جلوگیری از حرکت آن به سمت ناپایداری‌هایی اساسی لازم و ضروری است، این پرسش است که «کیفیت حکمرانی، خود تحت تاثیر چه عاملی است؟» به عبارتی برای بهبود جایگاه یک واحد جغرافیایی - سیاسی به صورت عام و ایران به صورت خاص در فضای حالت کیفیت حکمرانی و در نتیجه بهبود جایگاه آن در فضای حالت پایداری باید بر چه عامل و یا عواملی متمرکز شد؟ در فصل بعد کوشش شده است که به این پرسش مهم و اساسی با ارجاع به مفهوم سیستم‌های حکمرانی پاسخ داده شود.

فصل چهارم

کیفیت حکمرانی و سیستم حکمرانی

۱. رابطه واحد جغرافیایی - سیاسی و سیستم حکمرانی

تا این بخش از کتاب بیان شد که هر واحد جغرافیایی - سیاسی با در نظر داشتن شاخص پایداری، جایگاهی در فضای حالت دارد؛ که این جایگاه، تحت تاثیر کیفیت حکمرانی در آن واحد با توجه به ابعاد هفت گانه معرفی شده در فصل قبل است. با در نظر داشتن ایران به منزله یک واحد جغرافیایی - سیاسی می توان گزاره فوق را اینگونه بیان کرد که وضعیت ناپایدار ایران و جایگاه نامناسب آن در فضای حالت پایداری، بواسطه جایگاه نامناسب این کشور در فضای حالت کیفیت حکمرانی است. به عبارتی برای بهبود وضعیت پایداری ایران باید کیفیت حکمرانی را در آن با توجه به تعریف و شاخص‌های ارائه شده در فصل قبل ارتقا داد؛ رابطه جایگاه یک واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری با کیفیت حکمرانی را می توان به صورت مدل ساده زیر نمایش داد.



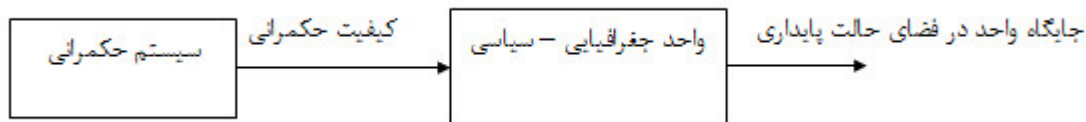
شکل ۲: رابطه واحد جغرافیایی - سیاسی با کیفیت حکمرانی

اما پرسشی که بلافاصله طرح می شود و این فصل در تلاش است تا در حد توان به آن پاسخ گوید آن است که جایگاه یک کشور در فضای حالت کیفیت حکمرانی خود تحت تاثیر چه عامل و یا عواملی است؟ کیفیت حکمرانی و وضعیت ابعاد شش گانه آن، خود خروجی یک سیستم حکمرانی است^{۵۲} که از قواعد، اجزا و روابط خاصی تشکیل شده است. به عبارتی، آنچه که به یک سیستم حکمرانی این امکان را می دهد که سطح بالایی از پاسخ گویی داشته؛ سطوح بالایی از ثبات سیاسی و عدم خشونت را از خود به نمایش گذارد؛ قوانین تنظیم گرانه‌ای با کیفیت بهتر وضع کند؛ فساد را به میزان بیشتری کنترل کرده و کارآیی بیشتری را از خود نشان دهد به طراحی و معماری سیستم حکمرانی وابسته است.

از این رو برای بهبود وضعیت پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارائی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و کنترل فساد که می توان آنها را شاخص‌های عملکردی یک سیستم حکمرانی دانست، باید از طریق اصلاح

۵۲. سیستم حکمرانی، کلیتی متشکل از تمامی قواعد و اجزایی است که مهمترین وظیفه آن کنترل و تنظیم روابط یک واحد اجتماعی برای رسیدن به هدفی است. با در نظر داشتن واحدهای جغرافیایی - سیاسی در مقیاس کشور نظام سیاسی، جامعه مدنی، فرهنگ و خانواده مهمترین اجزای سیستم حکمرانی را تشکیل می دهند.

معماری سیستم حکمرانی، و ایجاد تغییر در قواعد، اجزا و روابط بین اجزای نظام حکمرانی، زمینه بهبود در پاسخ سیستم را فراهم کرد؛ باید توجه داشت که صرف تغییر و اصلاح قوانین و عدم توجه به اصلاح اجزا و روابطی که بخش قابل توجهی از پاسخ سیستم حکمرانی نتیجه آن است بهبود چندانی در عملکرد سیستم حکمرانی ایجاد نخواهد کرد. به عنوان مثال اگرچه تصویب قوانینی در راستای افزایش شفافیت در سیستم حکمرانی، برای بهبود کیفیت حکمرانی لازم و ضروری است، اما صرف تصویب قوانین و عدم ایجاد اصلاحات در اجزا و روابط سیستم حکمرانی، لزوماً به افزایش شفافیت، کنترل فساد و بهبود کیفیت حکمرانی منجر نمی‌شود. از این منظر بهبود کیفیت حکمرانی در یک واحد جغرافیایی - سیاسی و به تبع آن جایگاه آن واحد در فضای حالت پایداری، تحت تاثیر طراحی سیستم حکمرانی (قواعد، اجزا و روابط بین اجزای سیستم حکمرانی) در آن کشور است. با در نظر داشتن مطلب فوق مدل قبل را می‌توان به صورت زیر تکمیل نمود.

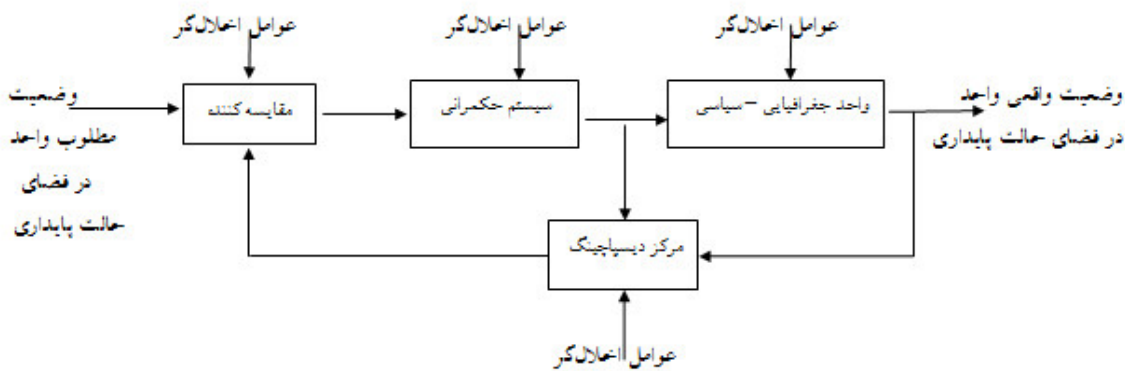


شکل ۳: رابطه جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری با کیفیت حکمرانی و سیستم حکمرانی

بر این اساس، برای بهبود جایگاه یک کشور در فضای حالت کیفیت حکمرانی و به تبع آن در فضای حالت پایداری، باید نقاط ضعف موجود در قواعد، اجزا و روابط بین اجزای سیستم حکمرانی، که سبب شکست حکمرانی در واحد جغرافیایی - سیاسی و کاهش کیفیت حکمرانی در آن شده است را شناسایی نمود و اصلاحات و تغییرات لازم را پیش از آنکه شکست حکمرانی سبب رسیدن واحد جغرافیایی - سیاسی به نقطه بی‌بازگشت در فضای حالت پایداری شود در آنها پدید آورد.

برای اصلاح یک سیستم حکمرانی از پیش موجود و یا طراحی و بنیان‌گذاری یک سیستم حکمرانی جدید، پیش از هر چیز باید بدانیم که این سیستم باید با توجه به چه مشخصات عملکردی و با در نظر داشتن چه هدف و یا مجموعه هدفی اصلاح یا طراحی شود. همانطور که تاکنون نیز مشخص شده است مهمترین هدف یک واحد جغرافیایی - سیاسی، ماندگاری در محیط پیچیده پیرامون است که مهمترین معیار برای قضاوت در مورد وضعیت واحد در این رابطه، جایگاه آن در فضای حالت پایداری است. بنابراین طراحی و بنیان‌گذاری یک سیستم حکمرانی جدید، یا ایجاد اصلاح در یک سیستم حکمرانی از پیش موجود، باید با در نظر داشتن مجموعه شاخص پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی انجام گیرد. اگرچه می‌توان معماری سیستم حکمرانی و ایجاد اصلاح در آن را با توجه به اهداف دیگری نیز دنبال کرد اما از آن‌رو که هر هدفی جز پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی ممکن است سیستم حکمرانی را به سمت کنترل‌ها و تنظیم‌گری‌هایی سوق دهد که در نهایت سبب ناپایداری و در مراحل نهایی فروپاشی سیستم جغرافیایی - سیاسی‌ای شود که خود به منزله محیطی سیستم حکمرانی را در

برگرفته و ناپایداری و فروپاشی آن به معنای ناپایداری و فروپاشی سیستم حکمرانی است؛ مناسب‌ترین و توجیه‌پذیرترین هدف برای سیستم حکمرانی یک واحد جغرافیایی - سیاسی، پایداری آن واحد است. عدم توجه به این موضوع، واحدهای جغرافیایی - سیاسی را تبدیل به منابعی در خدمت سیستم‌های حکمرانی می‌کند که صرفاً در پی بیشینه کردن منافع اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک افراد و گروه‌هایی خاص در آن واحدها هستند و نه پایداری کلیت واحد. اهمیت طراحی و اصلاح سیستم حکمرانی بر اساس شاخص پایداری، سبب می‌شود که موضوع آگاهی تا حد ممکن بروز سیستم حکمرانی از وضعیت واقعی واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری از اهمیت فراوانی برخوردار شود. این نکته را می‌توان با تکمیل مدل ارائه شده قبلی به صورت زیر نمایش داد.



شکل ۴: رابطه جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری با سیستم حکمرانی، مقایسه‌کننده و مرکز دیسپاچینگ

در مدل فوق، مرکز دیسپاچینگ، مرکزی است که وظیفه رصد دوره‌ای جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری و جایگاه سیستم حکمرانی در فضای حالت کیفیت حکمرانی را بر عهده دارد (ر.ک فتاحی، ۱۳۹۶). این مرکز باید به گونه‌ای طراحی شود که کاملاً مستقل بوده و منفعت اساسی آن در سنجش دقیق شاخص‌های پایداری و کیفیت حکمرانی و تعیین دقیق جایگاه واحد جغرافیایی - سیاسی و سیستم حکمرانی در فضای حالت پایداری و کیفیت حکمرانی باشد. اثر عوامل اختلال‌گر بر مراکز دیسپاچینگ باید به گونه‌ای کنترل شود که تا حد ممکن خطای سنجش در این مراکز کاهش یابد. در مدل بالا مقایسه‌کننده وظیفه دارد، وضعیت واقعی واحد در فضای حالت پایداری و جایگاه سیستم حکمرانی در فضای حالت کیفیت حکمرانی که توسط مرکز دیسپاچینگ مورد سنجش و شناسایی قرار گرفته است را، با وضعیت مطلوب واحد و سیستم حکمرانی در این فضاها مقایسه کرده و تفاوت بین جایگاه مطلوب و جایگاه واقعی که حاصل عملکرد سیستم حکمرانی در کنترل اثر عوامل اختلال‌گر و تنظیم روابط درون واحد است را به همراه اصلاحات لازم در سیستم حکمرانی برای بهبود عملکرد این سیستم به صورتی دقیق به سیستم حکمرانی ارسال کند. سیستم حکمرانی نیز باید از طریق کنترل اثر

عوامل اخلال گر درونی و بیرونی و تنظیم روابط درون واحد که جایگاه کنونی در فضای حالت پایداری را ایجاد کرده است و همچنین رفع نواقصی در خود که جایگاه کنونی سیستم حکمرانی در فضای حالت کیفیت حکمرانی را پدید آورده است، سبب بهبود کیفیت حکمرانی و به تبع آن جایگاه واحد در فضای حالت پایداری شود. ناتوانی سیستم حکمرانی از کنترل اثر عوامل اخلال گر و یا انجام تنظیم‌گری‌های مناسب برای بهبود جایگاه واحد، ناشی از وجود نقاط ضعفی در سیستم حکمرانی است که برای بهبود وضعیت سیستم جغرافیایی - سیاسی در فضای حالت پایداری و جلوگیری از حرکت واحد به سمت ناپایداری‌های اساسی که می‌تواند موجودیت و کلیت آن را با مخاطراتی جدی روبرو کند، باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند. عدم توجه سیستم‌های حکمرانی به برطرف کردن این نقاط ضعف و یا ناتوانی در ایجاد این اصلاحات، می‌تواند سبب شکست سیستم حکمرانی شده و با حرکت دادن واحد و بخش حکمرانی به نقاط نامناسب فضای حالت پایداری و فضای حالت کیفیت حکمرانی، در نهایت واحد جغرافیایی - سیاسی و سیستم حکمرانی را به نقطه بی‌بازگشت در این فضا برساند که می‌تواند تبعات غیر قابل پیش‌بینی‌ای از فروپاشی سیستم حکمرانی تا فروپاشی کل واحد جغرافیایی - سیاسی را در پی داشته باشد.

۲. آسیب‌شناسی کلی سیستم حکمرانی در ایران

داده‌های ارائه شده در فصل دوم کتاب نشان داد که ایران از جایگاه مناسبی در فضای حالت پایداری برخوردار نیست و پایداری این واحد جغرافیایی - سیاسی در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی با چالش‌هایی اساسی روبرو شده است؛ در فصل سوم کتاب نیز نشان داده شد که با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته، ایران از نظر کیفیت حکمرانی نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد و از این نظر در فضای حالت، در منطقه‌ای قرار گرفته است که کشورهای با کیفیت حکمرانی بسیار بد در آن منطقه جای دارند. قرار دادن این دو داده در کنار یکدیگر و توجه به مباحث نظری طرح شده در این فصل، ما را به این واقعیت می‌رساند که علت اصلی شکست پایداری ایران و وضعیت نامناسب کیفیت حکمرانی در این کشور، وجود نواقص و ضعف‌هایی در معماری سیستم حکمرانی (قواعد، اجزا و روابط بین اجزا) این واحد جغرافیایی - سیاسی است.^{۵۳}

کالبدشکافی کامل و دقیق سیستم حکمرانی در ایران، نیازمند آن است که وضعیت این سیستم از نظر قواعد، اجزا و روابط بین اجزای آن از سطح کلان به سطح خرد با توجه به شش بُعد کیفیت حکمرانی (ر.ک فصل سوم) مورد آسیب‌شناسی و

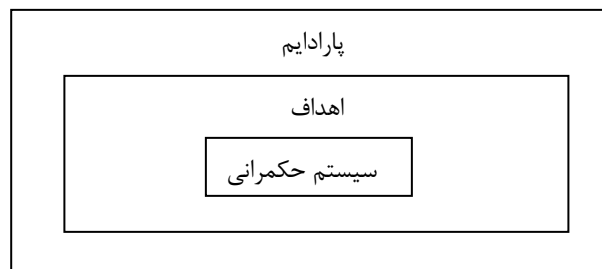
۵۳. باید توجه داشت که حتی در صورت عدم موافقت با وضعیت نامناسب پایداری در ایران و یا ابهام در مورد دقت تصویر ارائه شده از پایداری ایران در این کتاب، این امر تغییری در گزاره اهمیت تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی و سیستم حکمرانی در وضعیت پایداری واحدهای جغرافیایی - سیاسی ایجاد نخواهد کرد؛ افرادی که بنا به دلایل گوناگون ممکن است معتقد باشند که وضعیت پایداری ایران بسیار مناسب‌تر از تصویر کلی ارائه شده در این کتاب است باز هم برای بهبود هرچه بیشتر این وضعیت می‌توانند بر گزاره فوق و تبیین ارائه شده در این کتاب تکیه کنند.

تحلیل قرار گیرد؛ تا امکان دستیابی به توصیه‌هایی عملی و سیاست‌گذارانه برای بهبود کیفیت حکمرانی و در نتیجه بهبود جایگاه ایران در فضای حالت پایداری میسر شود؛ توصیه‌هایی که بواسطه پیوند خوردن سیستم حکمرانی کنونی با منافع اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه افراد و گروه‌های گوناگونی در درون و برون مرزها، پیاده‌سازی آنها به مراتب بسیار دشوارتر از دستیابی به این توصیه‌هاست. در هر حال این موضوع نیازمند مجالی فراختر است که در فرصتی دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

جدا از آسیب‌ها و نقاط ضعف مرتبط با ابعاد شش‌گانه کیفیت حکمرانی، بررسی کلی سیستم حکمرانی در ایران گویای وجود نقاط ضعف اساسی‌تر در این سیستم است؛ که پیش از ورود به مباحث عمیق‌تر در زمینه آسیب‌شناسی سیستم کنونی نیازمند آن هستیم که این نقاط ضعف برطرف شود. بر این اساس در این بخش تلاش شده است نسبت به معرفی برخی از مهمترین این آسیب‌ها که بدون برطرف کردن آنها بهبود کیفیت حکمرانی و در نتیجه بهبود جایگاه کشور در فضای حالت پایداری اگر نگوییم غیر ممکن اما به دشواری امکان‌پذیر است اشاره شود.

۲.۱. تناقض در پارادایم سیستم حکمرانی

سیستم‌های حکمرانی برای رساندن واحدهای جغرافیایی - اجتماعی به مجموعه‌ای از اهداف طراحی می‌شوند که خود این اهداف برآمده از مجموعه‌ای از مفاهیم و چارچوب‌های کلان‌تری هستند که آن را پارادایم می‌گویند. در سطح پارادایم است که مشخص می‌شود مهمترین هدفی که سیستم حکمرانی باید برای رساندن واحد به آن هدف طراحی شود چیست. در گام بعد این مفاهیم و الگوهای فکری کلان تبدیل به اهداف و مجموعه شاخص‌های قابل سنجشی می‌شوند که آنگاه می‌توان به صورت دقیق معماری و ارزیابی عملکرد سیستم حکمرانی را بر اساس آنها انجام داد. این موضوع را می‌توان به صورت شماتیک در شکل زیر نمایش داد.



شکل ۵: رابطه پارادایم، اهداف و سیستم حکمرانی

یکی از ایرادهای وارد بر سیستم حکمرانی ایران آن است که طراحی و معماری این سیستم، مبتنی بر یک پارادایم منسجم و بدون تناقض نیست. این تناقض در پارادایم، خود را در تناقض در اهداف و حتی تناقض در طراحی سیستم حکمرانی و یکی از مهمترین بخش‌های آن یعنی سیستم سیاسی نشان داده است.

پارادایم سیستم حکمرانی کنونی را در بهترین حالت می‌توان پارادایم امت - ملت نامید. این پارادایم، حاصل ترکیب نامتجانسی از دو پارادایم منافع امت و منافع ملت است.

امت، مفهومی است که از مرزهای جغرافیایی - سیاسی یک واحد ملی فراتر می‌رود و عموماً به مجموعه‌ای از انسان‌ها اشاره دارد که به یک ایدئولوژی دلبستگی دارند؛ از سوی دیگر ملت مجموعه‌ای از افراد هستند که زیستن آنها در یک واحد جغرافیایی - سیاسی، آنها را تبدیل به یک ملت کرده است. اگر در پارادایم منافع امت بیشینه کردن منافع امت هسته مرکزی است و امکانات و منابع واحد جغرافیایی - سیاسی باید در خدمت آن قرار گیرد، در پارادایم منافع ملت، تأمین بیشینه منافع حداکثر افراد یک واحد ملی در اولویت قرار دارد و سیستم حکمرانی باید بر آن اساس طراحی شده و در آن جهت حرکت کند. پارادایم منافع امت با مرز جغرافیایی بیگانه است؛ و سیستم حکمرانی آن گرچه خود در یک قلمرو جغرافیایی - سیاسی جا دارد اما در حالت ایده‌آل منابع آن قلمرو جغرافیایی - سیاسی را در خدمت تأمین منافع امتی قرار می‌دهد که بخش‌هایی از تشکیل‌دهندگان آن اصولاً در واحدهای جغرافیایی - سیاسی دیگری زندگی می‌کنند. در این پارادایم، منافع امت از ارجحیت بیشتری در مقایسه با منافع ملت برخوردار است؛ از این‌روست که فردی ساکن ملتی دیگر، اما برخوردار از عقایدی مشابه با امت، از ارزش بیشتری در مقایسه با فردی که اگرچه در همان واحد جغرافیایی - سیاسی متولد شده و زیست می‌کند و عضو آن ملت است اما با توجه به معیارهای ایدئولوژیک امت در ذیل امت قابل تعریف نیست، برخوردار است.

در سوی دیگر سیستم حکمرانی مبتنی بر پارادایم منافع ملت، منابع واحد جغرافیایی - سیاسی تحت مدیریت خود را در جهت تأمین پایداری آن واحد و بیشینه نمودن منافع مجموع ساکنان آن به کار می‌گیرد.

پارادایمی که سیستم حکمرانی در ایران بر آن مبتنی است، ترکیبی نامتجانس از دو پارادایم فوق است که البته از آن‌رو که حامیان پارادایم منافع امت به هنگام طراحی و بنیان‌گذاری سیستم از منابع قدرت بیشتری برخوردار شدند، توانستند پس از چالش‌ها و تضادهای فراوان با حامیان پارادایم منافع ملت، در مجموع معماری سیستم حکمرانی را به سمت تأمین اهداف پارادایم منافع امت سوق دهند؛ اما از آن‌رو که به صورت کامل در این امر موفق نشدند، تناقض حل نشده در سطح پارادایم، خود را بعدها در اهداف و معماری سیستم حکمرانی نیز نشان داد که تضادها و ناپایداری‌های ناشی از آن تا امروز نیز ادامه دارد.

با توجه به مطالب فوق و با در نظر داشتن موضوع این کتاب، حل تناقض‌های موجود در پارادایم سیستم حکمرانی امری ضروری در بهبود وضعیت ایران در فضای حالت پایداری است. امری که بواسطه پیوند خوردن این تناقض‌ها با اهداف و معماری سیستم حکمرانی و منافع اقتصادی و سیاسی افراد و گروه‌های مختلف به دشواری امکان‌پذیر است.

۲،۲. تناقض در اهداف و معماری سیستم حکمرانی

تناقض‌های حل نشده و سرکوب شده موجود در سطح پارادایم با ورود به مرحله تعیین اهداف و معماری سیستم حکمرانی نیز خود را نشان داد، و هر یک از حامیان دو پارادایم منافع امت و منافع ملت در این سطوح نیز تلاش نمودند که اهداف و طراحی سیستم حکمرانی را به پارادایم مدنظر خود نزدیک نمایند؛ نتیجه این تلاش‌ها تناقض در اهداف و معماری سیستم حکمرانی بود؛ به این ترتیب اهدافی مشخص شد و سیستمی طراحی گردید که بخش‌هایی از آن مبتنی بر پارادایم منافع امت بود و بخش‌هایی دیگر مبتنی بر پارادایم منافع ملت، این امر تناقض‌های سطح نظری را به سطح عینی و واقعی وارد کرد و نظامی از منافع اقتصادی و سیاسی حول این تناقض‌های آشفتنی‌ناپذیر شکل گرفت؛ اکنون دیگر جدال‌های فلسفی و نظری که هیچ‌یک نتوانست دیگری را از عرصه رقابت خارج کرده و یک پارادایم یکپارچه و نسبتاً عاری از تناقض را برای مبتنی شدن سیستم حکمرانی بر آن بوجود آورد، تبدیل به جدال‌هایی عینی بر سر منافع اقتصادی و سیاسی شد. جدال‌ها، تضادها و تنش‌هایی که همانند همان تنش‌های پارادایمی تا به امروز حل نشده ادامه دارد و بخش قابل توجهی از منابع ایران را به خود معطوف کرده است.

در چند دهه گذشته اگرچه برخی از حامیان پارادایم منافع ملت، تلاش کرده‌اند که تغییرات و اصلاحاتی را در مجموعه اهداف و معماری سیستم حکمرانی پدید آورده و آن را بیش از پیش به پارادایم منافع ملت نزدیک کنند، اما از آن‌رو که معماری سیستم حکمرانی به گونه‌ای است که منابع اقتصادی و سیاسی بیشتری را متوجه بخش‌هایی از سیستم می‌کند که مبتنی بر پارادایم منافع امت طراحی شده است در مجموع موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند؛ اما تقویت حامیان پارادایم منافع ملت، در واحد جغرافیایی - سیاسی ایران، ناکارآمدی‌های سیستم حکمرانی در جلوگیری از پیدایش و حل بحران‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی^{۵۴} و سرانجام بحران‌های ناشی از حضور یک سیستم حکمرانی در منطقه و جهان که بخش‌هایی از آن مبتنی بر پارادایم منافع امتی است که جایگاهی در زمانه حاکمیت جهانی پارادایم منافع ملت ندارد؛

۵۴. این بحران‌ها و بویژه بحران اقتصادی می‌تواند خود به منزله عاملی در جهت تضعیف پایگاه حامیان پارادایم منافع امت عمل کند.

شرایطی را پدید آورده که احتمالاً بخش‌هایی از سیستم حکمرانی را که مبتنی بر پارادایم منافع امت است در شرایط دشواری قرار خواهد داد؛ شرایطی که اگر به درستی مدیریت نشود، تمرکز منابع اقتصادی و سیاسی در آن بخش‌ها، حل مسأله را به دشواری امکان‌پذیر نموده و هزینه‌های قابل توجهی را به پایداری ایران تحمیل خواهد کرد.

۲.۳. باز بودن نسبی حلقه فیدبک

جدا از تناقض‌های موجود در سطح پارادایم، اهداف و معماری سیستم حکمرانی در ایران، با توجه به مدل ارائه شده در شکل شماره ۴، یک نظام حکمرانی، فارغ از پارادایم و اهدافی که بر آن مبتنی است، برای کارآمد بودن نیازمند آن است که با ایجاد یک حلقه فیدبک، اطلاع نسبتاً به‌روز و دقیقی از وضعیت خروجی واحد جغرافیایی - سیاسی در رابطه با اهدافی داشته باشد که سیستم حکمرانی برای رساندن واحد به آن طراحی شده است. از نظر باز و یا بسته بودن حلقه فیدبک می‌توان سیستم‌های حکمرانی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: سیستم‌های حکمرانی حلقه باز که بدون توجه به وضعیت خروجی واحد تحت مدیریت خود اقدام به سیاست‌گذاری و اجرا می‌کنند و سیستم‌های حکمرانی حلقه بسته که با در نظر داشتن پاسخ و خروجی واحد، امر سیاست‌گذاری و اجرا را انجام می‌دهند. سیستم‌های حکمرانی حلقه باز عموماً سبب ایجاد ناپایداری در واحدهای تحت مدیریت خود شده و موفقیت چندانی در دستیابی به اهداف ندارند.

نظام حکمرانی در ایران علاوه بر آنکه از تناقض‌هایی جدی در مجموعه اهداف خود رنج می‌برد، عموماً نسبت به شناسایی وضعیت خود در فضای حالت همین مجموعه هدف متناقض نیز دارای ضعف‌هایی اساسی است؛ و از این رو می‌توان آن را به نوع سیستم‌های حکمرانی حلقه باز نزدیک دانست. این ایراد از آن روست که این سیستم در طراحی خود بخشی که وظیفه مرکز دیسپاچینگ را در سیستم‌های حکمرانی انجام دهد در نظر نگرفته است^{۵۵}؛ به همین دلیل این سیستم، اصولاً درکی واقع‌گرایانه در ارتباط با وضعیت خود در فضای حالت همین مجموعه هدف مبهم و متناقض را نیز ندارد.

۲.۴. عدم وجود مقایسه‌کننده

با توجه به مدل ارائه شده در شکل ۴، یکی از مهمترین بخش‌های یک سیستم حکمرانی، فارغ از پارادایم و اهدافی که بر آن مبتنی است، مقایسه‌کننده است که وظیفه مقایسه جایگاه واقعی با جایگاه مطلوب واحد در فضای حالت و ارائه پیشنهادهایی اصلاحی به سیستم حکمرانی برای کم کردن این فاصله را بر عهده دارد. سیستم حکمرانی ایران بواسطه ابهام و تناقض در

۵۵. گرچه شاید بتوان چنین نقشی را برای سازمان برنامه و بودجه کشور در نظر گرفت اما هم مجموعه شاخص‌های مورد ارزیابی این سازمان و هم طراحی آن که با قرار دادن آن در ساختار دولت، اثر عوامل اخلاص‌گر را به شدت بر آن افزایش داده امکان ایفای چنین نقشی را از این سازمان گرفته است.

پارادایم و مجموعه هدف سیستم از یک سو و عدم وجود مراکز دیسپاچینگ کارآمد، اصولاً ورودی‌های لازم برای یک مقایسه‌کننده را تولید نکرده است؛ پس از تولید این ورودی‌ها با توجه به پیشنهادهای ارائه شده در بخش‌های قبل، ایجاد نهادهایی که کارکرد مقایسه‌کننده سیستم را بر عهده داشته باشند لازم و ضروری است. استقلال و دقت مراکز دیسپاچینگ و مقایسه‌کننده، اصلی ضروری در طراحی و پیاده‌سازی این بخش‌هاست که عدم توجه به آن می‌تواند از طریق ایجاد داده‌های غیر واقعی، کارآمدی سیستم حکمرانی را کاهش داده و موجب اقدامات، سیاست‌گذاری‌ها و کنش‌هایی شود که نه تنها تاثیری در رسیدن سیستم حکمرانی به اهداف خود نخواهد داشت بلکه می‌تواند سبب ایجاد ناپایداری‌هایی اساسی در آن سیستم شود.

۲.۵. عدم توازن و تفکیک اجزا

سیستم‌های حکمرانی، جدا از آنکه مبتنی بر چه پارادایمی بوده و چه اهدافی را دنبال می‌کنند، برای کارآمدی بیشتر در دستیابی به اهداف، و برای جلوگیری از تبدیل شدن آنها به ابزارهایی در جهت تأمین منافع شخصی و گروهی خاص، باید اصل ضروری توازن و تفکیک اجزا را رعایت کنند. تجربه بشری لزوم تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضائیه مبتنی بر همین اصل است.

عدم تفکیک اجزای سیستم حکمرانی و یا وجود نواقصی در طراحی سیستم، که امکان برهم زدن این تفکیک را در طول زمان فراهم کند در مجموع، مهمترین نتیجه حاصل از تفکیک، یعنی نظارت اجزا بر یکدیگر را بی اثر می‌کند.

عدم توازن اجزای اصلی تشکیل دهنده سیستم حکمرانی نیز می‌تواند در یک بازه زمانی، یک جزء را بر سایر اجزاء مسلط کرده و کل سیستم حکمرانی را در خدمت منافع آن جزء و گروه و افراد کنترل‌کننده نقش‌های کلیدی آن درآورد. با برهم خوردن توازن و تفکیک اجزاء در سیستم حکمرانی، نظام حکمرانی دیگر در خدمت اهدافی که برای آن طراحی شده است نیست و با استثمار آن توسط افراد و گروه‌هایی خاص، تبدیل به ابزاری برای تأمین منافع کوتاه‌مدت گروه‌ها و افرادی می‌شود که به نقش‌های کلیدی آن نظام دسترسی دارند.

با توجه به مطالب فوق، نظام حکمرانی در ایران بواسطه وجود نقاط ضعفی در معماری این سیستم، از آسیب عدم توازن و تفکیک اجزاء رنج می‌برد که همین عدم توازن و تفکیک به هنگام بنیان‌گذاری، در گذر زمان امکان انباشت هرچه بیشتر منابع اقتصادی و سیاسی را در بخش‌هایی از سیستم فراهم کرده و بر بغرنجی مسأله توازن و تفکیک اجزا افزوده است.

این فصل در صدد جلب توجه به اهمیت کلیدی این گزاره بود که وضعیت پایداری کشورها بیش از هر چیز تحت تاثیر طراحی و معماری سیستم حکمرانی آنهاست؛ به این معنا که برای بهبود کیفیت حکمرانی در یک واحد جغرافیایی - سیاسی

و به تبع آن بهبود وضعیت پایداری واحد، باید نقاط ضعف موجود در قواعد، اجزا و روابط بین اجزای سیستم حکمرانی که سبب عملکرد ضعیف این سیستم در ارتباط با شش شاخص کلیدی کیفیت حکمرانی (پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآئی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و کنترل فساد) شده و عملکرد ضعیف در ارتباط با این شاخص‌ها بر وضعیت پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی اثرات مخربی را برجا گذاشته است شناسایی نمود و نسبت به اصلاح آنها اقدام کرد. اما پیش از اصلاح معماری یک سیستم حکمرانی با توجه به شاخص‌های عملکردی فوق، باید ۵ پیش شرط که عدم تحقق نسبی آنها می‌تواند پروژه اصلاح معماری یک سیستم حکمرانی با توجه به شاخص‌های کیفیت حکمرانی را با موانع و چالش‌هایی جدی روبرو نماید بررسی شود. این ۵ پیش شرط عبارتند از: ۱- عدم وجود تناقض‌های جدی در پارادایمی که سیستم حکمرانی بر آن مبتنی است ۲- شفافیت نسبی و عدم وجود تناقض در اهداف برآمده از پارادایمی که سیستم حکمرانی به دنبال دستیابی به آنهاست. ۳- وجود بخشی که وظیفه مراکز دیسپاچینگ را با توجه به توضیحات ارائه شده در این فصل انجام دهد ۴- وجود بخشی که وظیفه مقایسه کننده را با توجه به توضیحات ارائه شده در این فصل انجام دهد. ۵- وجود سطحی از توازن و تفکیک اجزاء در سیستم حکمرانی که مانعی بر سر راه تسخیر شدن بقیه اجزای سیستم توسط یک یا چند جزء دیگر شود.

عدم تحقق نسبی پیش شرط‌های پنج‌گانه فوق و عدم وجود اجماع در بین کنشگران کلیدی یک سیستم حکمرانی در ارتباط با اهمیت و ضرورت پرداختن به آنها، امکان اصلاح معماری سیستم حکمرانی را با توجه به شاخص‌های شش‌گانه کیفیت حکمرانی اگر نگوئیم غیر ممکن اما به میزان بسیار زیادی دشوار می‌نماید؛ چرا که تحقق این پیش شرط‌ها مقدم بر هرگونه بحث در رابطه با اهمیت پایداری واحد جغرافیایی - سیاسی به منزله مهمترین هدف سیستم حکمرانی و استلزامات حرکت به سوی آن است.

فصل پنجم

جمع بندی

در دیباچه این کتاب بیان شد که می‌توانیم تمام مطالب آن را در دو جمله زیر خلاصه کنیم:

«وضعیت کنونی ایران ناپایدار است و ایران باید پایدار باشد»

براساس تبیین ارائه شده در این کتاب، ریشه‌ای‌ترین علت وضعیت ناپایدار کنونی ایران را باید در وجود تناقض‌هایی جدی در پارادایم امت-ملتی جستجو کرد که سیستم حکمرانی بر آن مبتنی است. پیدایش این پارادایم متناقض، ناشی از عدم پیروزی نهایی هر یک از حامیان دو پارادایم امت و ملت در لحظه چارچوب‌بندی پارادایمی بود که بعدها سیستم حکمرانی بر آن مبتنی شد. به این ترتیب پارادایمی شکل گرفت که از یک‌سو به منافع امت نظر داشت و از سوی دیگر به منافع ملت. این تناقض در سطح پارادایم با ورود به سطح اهداف، خود را بازتولید کرد و در شرایط عدم توجه به ضرورت شفاف بودن مجموعه اهداف یک سیستم حکمرانی، مجموعه هدفی را پدید آورد که غیر شفاف و در بعضی موارد متناقض بود.

در گام بعد، پارادایم متناقض و مجموعه هدف غیر شفاف و متناقض که باید معماری سیستم حکمرانی بر آنها مبتنی می‌شد، سبب طراحی سیستم حکمرانی‌ای شد که از دو بخش کلی تشکیل شده بود: بخشی که پارادایم منافع امت را نمایندگی می‌کرد و در صدد تحقق آن اهداف بود و بخشی که نماینده پارادایم منافع ملت در سیستم حکمرانی بود؛ اما از آنرو که به هنگام بنیان‌گذاری نظام حکمرانی، حامیان پارادایم منافع امت از انسجام بیشتری برخوردار بودند و منابع قدرت بیشتری را در اختیار داشتند معماری کلی سیستم حکمرانی به گونه‌ای شد که بخش‌های حامی پارادایم منافع امت از جایگاه با اهمیت‌تری در نظام حکمرانی برخوردار شدند و همین امر در گذر زمان سبب انباشت منابع اقتصادی و سیاسی قابل توجهی در این بخش‌ها شد. منابعی که بعدها حتی با مقبولیت یافتن بیش از پیش گفتمان منافع ملت در جامعه و بین‌نخبگان، مانعی اساسی پیش‌روی اصلاح معماری سیستم حکمرانی در جهت نزدیک شدن به اهداف و پارادایم منافع ملت بود.

تجسم عینی یافتن پارادایم‌ها و مباحث نظری در سیستم حکمرانی، نظامی از منافع اقتصادی و سیاسی را در درون و برون مرزهای کشور ایجاد کرد که حامیانی را برای هر یک از این بخش‌ها فارغ از دل‌بستگی‌شان به این یا آن پارادایم پدید می‌آورد. نتیجه این امر آن بود که تضاد و تناقض سطح پارادایم، خود را در فضای سیاسی کشور نیز بازتولید نمود و به مناقشات و تضادهای بی‌پایانی دامن زد که تا کنون نیز ادامه دارد. در این فضا از آنرو که افراد از دو پارادایم فکری متفاوت هستند و بنیان مشترکی برای گفتگو بین این پارادایم‌ها وجود ندارد اصولاً سخنان یکدیگر را می‌شنوند اما فهم نمی‌کنند و از قضا چون منافع اقتصادی و سیاسی‌شان نیز به صورت عینی توسط بخش‌هایی از نظام حکمرانی نمایندگی می‌شود که تجسم عینی این و یا آن پارادایم است رسیدن به این فهم مشترک با دشواری بسیار بیشتری از یک بحث نظری صرف امکان‌پذیر می‌شود؛ به عبارتی جبهه‌ای از حامیان پارادایم منافع امت با منافع اقتصادی و سیاسی مشخص در مقابل جبهه‌ای از حامیان پارادایم منافع ملت با هم با منافع اقتصادی و سیاسی مشخص قرار گرفته است. یکی از این دو جبهه بواسطه معماری خاص

سیستم حکمرانی، منابع اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را در اختیار دارد و جبهه دیگر، علیرغم داشتن دست پایین‌تر در منابع اقتصادی و سیاسی، در گذر زمان از مقبولیت بیشتری در جامعه برخوردار شده است. این تجمع و کثرت منابع اقتصادی و سیاسی در یک سو و گسترش رو به رشد مقبولیت در سوی دیگر، شرایطی را پدید آورده که حل مسالمت‌آمیز تضادها را به دشواری امکان‌پذیر می‌کند.

از سوی دیگر جدا از این تناقض‌ها و تعارض‌های پارادایمی که در سیستم حکمرانی عینیت یافته است، این نظام حکمرانی از سه آسیب جدی دیگر رنج می‌برد:

نخست عدم برخورداری از بخشی که به صورتی کارآمد وظیفه مراکز دیسپاچینگ را انجام دهد، این آسیب سبب شده است که نظام حکمرانی در ایران بیشتر به یک سیستم حکمرانی حلقه باز شبیه باشد تا یک سیستم حکمرانی حلقه بسته. سیستم‌های حکمرانی حلقه باز فارغ از اهدافی که دنبال می‌کنند از توانایی لازم برای تعقیب بهینه اهداف برخوردار نیستند. دوم، عدم برخورداری از یک مقایسه‌کننده که به صورت منظم فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت واقعی را مشخص کند.

سوم، عدم توازن و تفکیک اجزای سیستم، که شرطی ضروری و لازم برای آن است که یک سیستم حکمرانی تبدیل به ابزاری برای تامین منافع شخصی و گروهی بخش‌هایی از جامعه نشده و در خدمت برآورده کردن اهداف باقی بماند. نتیجه موارد فوق آن شده است که سیستم حکمرانی‌ای پدید آید که از کارآمدی لازم نه برای برآوردن اهداف این پارادایم برخوردار است و نه آن پارادایم و نه حتی پارادایمی متناقض حاصل از ترکیب دو پارادایم ملت و امت.

این سیستم حکمرانی می‌تواند تا تهی شدن منابع ملی و تعمیق هرچه بیشتر بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی که می‌تواند سبب ایجاد نارضایتی‌های شدید در کشور یا تعارض شدید با سیستم جهانی شود که عموماً مبتنی بر پارادایم منافع ملت است به مسیر خود ادامه دهد؛ اما این مسیر نه برای کشور و نه حتی برای کنشگران ایفا کننده نقش‌های کلیدی در این سیستم حکمرانی فارغ از دلبستگی‌های پارادایمی آنها خوشایند نیست.

اگر تبیین فوق را بپذیریم آنگاه نخستین گام برای تلاش در جهت پایداری ایران آن است که پارادایم و نقطه هدف شفاف و تا حد ممکن عاری از تناقضی را برای ایران به منزله یک واحد جغرافیایی - سیاسی در نظر بگیریم. پیشنهاد این کتاب بازگشت به پارادایم منافع ملت و تمرکز بر مفهوم «پایداری ایران» به منزله محیطی است که تمامی ایرانیان را فارغ از دلبستگی‌های ایدئولوژیک‌شان در بر گرفته است. اگر به این محیط آسیبی وارد شود، ساکنان آن نیز فارغ از آنکه چه دلبستگی ایدئولوژیکی داشته باشند از این آسیب و گزند در امان نخواهند ماند. بنابراین پذیرفتن این پارادایم به عنوان پارادایم

هژمون، نه یک انتخاب که یک ضرورت برای تمامی ایرانیان است. ضرورتی که اگر امروز به اختیار به آن تن ندهیم فردا به اجبار و با صرف هزینه‌های فراوان به آن تن خواهیم داد.

مفهوم پایداری ملی در شکل کلی آن مفهومی مبهم در سطح پارادایم است که برای کاستن از این ابهام‌گریزی از شاخص‌سازی و تبدیل آن به مجموعه هدفی قابل سنجش نخواهیم داشت. به این منظور در فصل اول کتاب تلاش شد تا با در نظر داشتن ادبیات جهانی موجود و واقعیت‌های بومی ایران، مجموعه شاخصی برای سنجش این مفهوم پیچیده طراحی و ارائه شود. مجموعه شاخص معرفی شده در این کتاب که صرفاً شاخصی مقدماتی است باید در گذر زمان تدقیق و تکمیل شود تا با سنجش آن در کی دقیق‌تر از جایگاه ایران در فضای حالت پایداری بیابیم.

معرفی مجموعه شاخص کامیابی موسسه لگاتوم در این کتاب و تکیه بر گزارش این موسسه برای رسیدن به درکی از وضعیت کنونی ایران در فضای حالت پایداری، که موضوع فصل دوم کتاب بود، صرفاً از آن رو صورت گرفت که با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، این مجموعه شاخص نزدیک‌ترین مجموعه شاخص از نظر کلیت به شاخص پایداری ملی معرفی شده در این کتاب است. این امر که گزارش این موسسه در مورد وضعیت ایران را بپذیریم و یا در آن تشکیک وارد کنیم هیچ اثری در تبیین ارائه شده در این کتاب برای وضعیت کنونی پایداری ایران و راهکارهایی که برای بهبود جایگاه ایران در فضای حالت پایداری باید پیاده‌سازی و اجرا کنیم نخواهد داشت. امید است که در آینده‌ای نزدیک با سنجش مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب به سنجشی بومی از وضعیت پایداری ایران دست یابیم.

پس از تدقیق و تناقض‌زدایی از پارادایم و اهداف سیستم حکمرانی در ایران به مرحله آسیب‌شناسی سیستم حکمرانی کنونی و یا طراحی یک سیستم حکمرانی جدید می‌رسیم. سیستمی که باید از کارآمدی مناسبی برای رساندن ایران به اصول کلی طرح شده در سطح پارادایم و شاخص‌های معرفی شده در سطح اهداف برخوردار باشد. بنا بر مباحث طرح شده در فصل سوم، این سیستم با توجه به پارادایم و مجموعه هدف معرفی شده در این کتاب، باید از توانایی کافی برای تحقق ۶ پیش‌شرط حکمرانی خوب برخوردار باشد. به عبارتی سیستم طراحی شده باید بتواند سطوح بالایی از پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآئی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و کنترل فساد را محقق سازد. شکست سیستم حکمرانی در ایران در ایجاد پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی با شکست سیستم حکمرانی در تحقق یکی از این شروط و یا تمامی آنها ارتباط دارد و برای اصلاح سیستم حکمرانی کنونی باید ضعف‌های موجود در قوانین، اجزا و روابط بین اجزای سیستم حکمرانی که سبب شکست در تحقق این شروط شده است را شناسایی و مرتفع نمود. امری که بواسطه پیوند خوردن نواقص سیستم حکمرانی با منافع اقتصادی - سیاسی افراد و گروه‌هایی خاص به دشواری امکان‌پذیر بوده و نیازمند وجود اراده‌ای قوی در سطح کشگرانی است که در نقش‌های کلیدی و اثرگذار این سیستم حکمرانی قرار دارند.

این کتاب در مجموع تلاشی امیدوارانه برای شناسایی علت اصلی وضعیت نه چندان رضابت بخش پایداری ایران و ارائه راهکاری در حد توان برای بهبود وضعیت آن بود؛ امید است بواسطه شرایط مخاطره‌آمیز منطقه و جهان از یک سو و عمق و شدت ناپایداری‌های ایجاد شده در ایران بواسطه ضعف و ناکارآمدی سیستم حکمرانی، این کتاب پیش از آنکه به کار بنیان‌گذاری یک سیستم حکمرانی نوین بیاید، بتواند در اصلاح سیستم حکمرانی کنونی و برون رفتی آرام از شرایط موجود موثر باشد.

یاری نامه‌ها

یاری نامه‌های فارسی

- شاخص‌های عمده اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۴
- ایران در آینه آمار ۱۳۹۳، مرکز آمار ایران، شماره ۳۴.
- کمیسیون ملی یونسکو ایران (بی‌تا). دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، مترجم: مهرناز پیروز نیک.
- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.
- رو، استن، لیث، کالین. و همکاران. (۱۳۸۷). درباره‌ی معنای زندگی. انتشارات مرندیدز، مشهد.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۸) روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی. محمد فاضلی. تهران: آگه
- فتاحی، سجاد (۱۳۹۶) مراکز دیسپاچینگ اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی، ایده‌ای در جهت سیاست‌گذاری کل‌گرا و داده‌محور. شبکه مطالعات سیاست‌گذاری

یاری نامه‌های انگلیسی

- Adsera Alisia, Boix Carles and Payne Mark (2003), Are you being served? Political accountability and quality of governance, The journal of law, economics, & organization, vol. 19, no. 2, oxford university press.
- Bailey, Keneth.(without time). Entrophy system theory. Encyclopedia of life support systems(EOLSS).
- Callicitt,J.B.&Frodeman,R.(2009). Encyclopedia of environmental ethics and philosophy. Gale cengage learning.
- Center For International Earth Science.(2005). Environmental sustainability indicators. <http://sedac.ciesin.columbia.edu/data/collection/esi>.
- Davies, George.Randal.(2013). Appraising weak and strong sustainability: searching for a middle ground.Consilience: The Journal of Sustainable development, Vol.10 , Iss.!(2013), Pp.111-124.
- Department Of Economic And Social Affairs of United Nations.(2007). Indicators of sustainable developments: guidelines and methodologies, third edition.

- Department Of Economic And Social Affairs of United Nations.(2013). World Economic And Social Survey 2013: Sustainable Development Challenges. United Nations Publications.
- Dillard, Jesse&DujonT veronica&King, C, Mary.(2009). Understanding the social dimension of sustainability. Routledge publications.
- Dragulanescu,I,V. &- Dragulanescu, N.(2013). Some theories of environmental sustainability. Romanian Statistical Review NR.۱۲.
- Future earth.(2014). Future earth 2025 visions. International council for science, ۵ rue auguste vacquerie, 75116 Paris France.
- Goodland,Robert.(1995). The concept of environmental sustainability. Annual Review of ecology and systematics, Vol.26, PP. 1-24.
- Hak, Tomas& Moldan, Bedrich&Dahl,A.L.(2007). Sustainability indicators: a scientific assessment. Island press.
- Hammond,A et all.(1995). Environmental indicators: a systematic approach to measuring and reporting on environmental policy performance in the context of sustainable development. Worlds Resources Institute.
- Harris,J.H.(2003). Sustainability and sustainable development. International Society for ecological Economics Internet Encyclopedia of Ecological Economics.
- Harris,J.H.(2000). Basic principles of sustainable development. Global Development and Environment Institute.
- Jenkins,Willis.(2009). Sustainability theory. Berkshire Encyclopedia of sustainability: the spirit of sustainability, Vol.۱.
- Johanson,Ulrika.(2012). Towards a biocentric attitude in environmental education. Pedagogy AUO ۹۰- Master Thesis, Linneuniversitet, GO 2964.
- Kates,R.W. et all.(2000). Sustainability science. Science new series, Vol.292 No. 5517, pp. 641-642.
- Kates,R.W.,Parris,T,M.,Leisewoitz,A.A.(2005). What is sustainable development? Goals, Indicators and Practices.Environment: Science and Policy for sustainable development , Vol.47, N.3, Pp.8-21.
- Kuhlman,Tom&Farrington,J.(2010). What is sustainability?.sustainability, 2, 3436- 3448; Doi: 10- 3390/su 2113436.
- Kumiama,Hiroshi.&Takeuchi,Kazuhiko.(2006). Sustainability Science, 1: pp. 1-6.
- Lang,J.L.,Weik,A.,Bergman,M.(2012). Transdisciplinary research in sustainability science: practice, Principles and Challenges. Sustainability Science, Doi 10.1007/s 11 625-011-0149-x.
- Legett, J,A.&Carter, Nicole,T.(2012). Rio + 20: the United Nations Conferences on Sustainable Development, June 2012. Congressional Research Service, 7-5700. www.crs. Gov, R42573.
- Local Government Discretion and Accountability: A Local Governance Framework, 2007, THE WORLD BANK

- Mack, Y.M. & Peacock. (2011). Social sustainability: a comparison of case studies in UK, USA and Australia. 11th Pacific Rim Real Estate Society Conference, Gold Coast, 16-19 Jan 2011.
- NORAD. (2000). Handbook in assessment of institutional sustainability. Oslo.
- Organization For Economic Cooperation And Development (OECD). (2008). Conducting sustainability assessments.
- Organization For Economic Cooperation And Development (OECD). (2010). Guidance on sustainability impact assessment.
- Organization For Economic Cooperation And Development (OECD). (2001). The DAC guidelines strategies for sustainable development: Guidance for development cooperation.
- Organization For Economic Cooperation And Development (OECD). (2006). Good practices in the national sustainable development strategies of OECD countries.
- Organization For Economic Cooperation And Development (OECD). (2008). OECD key environmental indicators. Paris, France.
- Osborn, D., Cutter, A. & Ullah, F. (2015). Universal sustainable development goals: understanding the transformational challenges for developed countries. Report of a study by Stakeholders Forum.
- Potschin M. & Haines-Young, R. (2006). "Rio +10" sustainability science and Landscape ecology. *Landscape and Urban Planning*, 75, Pp. 162-174.
- Ragin, Charles C. (2000) *Fuzzy set social science*, Chicago: The university of Chicago press
- Ragin, Charles C. (2008). *Redesigning social inquiry*, Chicago: The university of Chicago press
- Ruppert-Winkel, Chantal et al. (2015). Characteristics, emerging needs, and challenges of transdisciplinary sustainability science: experiences from the German Social-Ecological research program. *Ecology and society*, 20(3):13.
- Rai, J.S. & Thorheim, C. & Dorjderem, A. & Macer, D. (2010). *Universalism and ethical values for the environment*. Published by UNESCO Bangkok.
- Ruhs, N. & Jones, Aled. (2015). The Implementation of Earth Jurisprudence through Substantive Constitutional Rights of Nature. *Sustainability* 2016, 8(2), 174; doi:10.3390/su8020174.
- Salla, S., Farioli, F., Zamagni, A. (2012). Progress in sustainability science: lessons learnt from current methodologies for sustainability assessment: part 1. *Int J Life Cycle Assess.*
- Scoones, L., Leach, M., Smith, A., Stagl, S., Stirling, A. & Thompson, J. (2007). *Dynamic systems and the challenges of sustainability*, STEPS working paper, Brighton: STEPS center.
- Spangenberg, J.H. (2005). Economic sustainability of the economy: concepts and indicators. *Int. J. Sustainable development*, Vol. 1, Nos. 1/2.
- Spangenberg, J.H., Pfahal, S. & Dellar, K. (2002). Towards indicators for institutional sustainability: lessons from an analysis of 21 agenda. *Ecological indicators*, 2, pp. 61-77.
- Spangenberg, J.H., Hinterberger, F. (2002). *Post Barcelona: Beyond Barcelona*. www.seri.de.

- Spangenberg, J.H. (2007). The institutional dimension of sustainable development, published in Hak, Tomas & Moldan, Bedrich & Dahl, A.L. (2007). Sustainability indicators: a scientific assessment. Island press.
- Subramanian, N. (2007). Sustainability: challenges and solutions. The Indian Concrete Journal.
- Sutton, Philip. (2004). Living well within our environment: a perspective on environmental sustainability?. A paper for the Victorian Commissioner for Environmental Sustainability. Version 2.b. Philip. Sutton@green-innovations. Asn. Au.
- Swanson, D. & Pinter, Laszlo. (2004). National strategies for sustainable development: challenges, approaches and innovations in strategic and co-ordinated action. International Institute for Sustainable developments.
- Tippett John, , 2010, Mechanisms of Accountability in Local Government: An Exploratory Study, International Journal of Business and Management
- Turner, R.K. (1993). Sustainability: principles and practice. In R.K Turner (ed) sustainable environmental economics and management: principle and practice. Belhaven press, London.
- UNESCO. (2012). Education for sustainable development. ISBN 978-92-3-001063-8.
- United Nations. (1992). Agenda 21. United Nations conferences on Environment & development, Rio de Janeiro, Brazil, 3-14 June 1992.
- United Nations. (1992). The Rio Declaration on Environment and Development. The United Nations Conference On Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992.
- United Nations. (2002). The Johannesburg Declaration on Sustainable development. ISBN- ISSN-EAN. http://www.un.org/esa/sustdev/documents/WSSD_POI_PD/English/POI_PD.htm
- United Nations. (2012). Future we want. Outcome document of United Nations Conference on sustainable development, Rio de Janeiro, Brazil, 20-22 June, 2012.
- United Nations Economic Commission for Africa. (2015). Africa regional report on the sustainable development goals. ECA publications.
- Widock, Andi. (2009). Social sustainability: theories, concepts, practicability in Environmental Informatics And Industrial Environmental Protection. EnviroInfo.
- Yang, Tongjin. (2006). Towards an egalitarian global environmental ethics in Environmental ethics and international policy. UNESCO, ISBN. 978-92-3-104039-9.
- World Health Organization (2002). Johannesburg Declaration on Sustainable Development.
- OECD Fact book (2015-2016): ECONOMIC, ENVIRONMENTAL AND SOCIAL STATISTICS.
- Sustainable Development Indicators, Sustainable Development Statistics, www.gov.uk/defra, 2013.
- Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies, Third Edition, United Nations, 2007.
- Smarter, greener, more inclusive? Indicators to support the Europe 2020 strategy, Eurostat, 2015 edition.

Indicators and a Monitoring Framework for Sustainable Development Goals Launching a data revolution for the SDGs, A report by the Leadership Council of the Sustainable Development Solutions Network, Revised working draft for consultation, 16 January 2015
WHITE PAPER ON KEY NATIONAL INDICATORS, INTOSAI Working Group on Key National Indicators, 2012.